

دوره ششم تقنینیه

| | | |
|--|---|--|
| <p>جلسه ۱۴۷</p> | <h1>مذاکرات مجلس</h1> | <p>شماره ۱۱۲</p> |
| <p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۲ مهرماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۸ ربیع الاول ۱۳۴۶</p> | <p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p> | <p>قیمت اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمت تک شماره یک قران</p> |

فهرست مقدار جات

| الی صفحه | از صفحه | عنوان | ردیف |
|----------|---------|--|------|
| ۲۲۵۱ | ۲۲۲۴ | مداکره-سپت بخرکمیسیون بودجه راجع به ۱۲۵ هزار تومان اضافه اعتبار بلدیة طهران و تصویب آن | ۱ |
| | ۲۲۵۵ | قانون اجازه پرداخت ۱۲۵ هزار تومان برای آب طهران و عریض نمودن خیابانها از محل اضافه عایدات ۱۳۰۵ | ۲ |



اصلاح

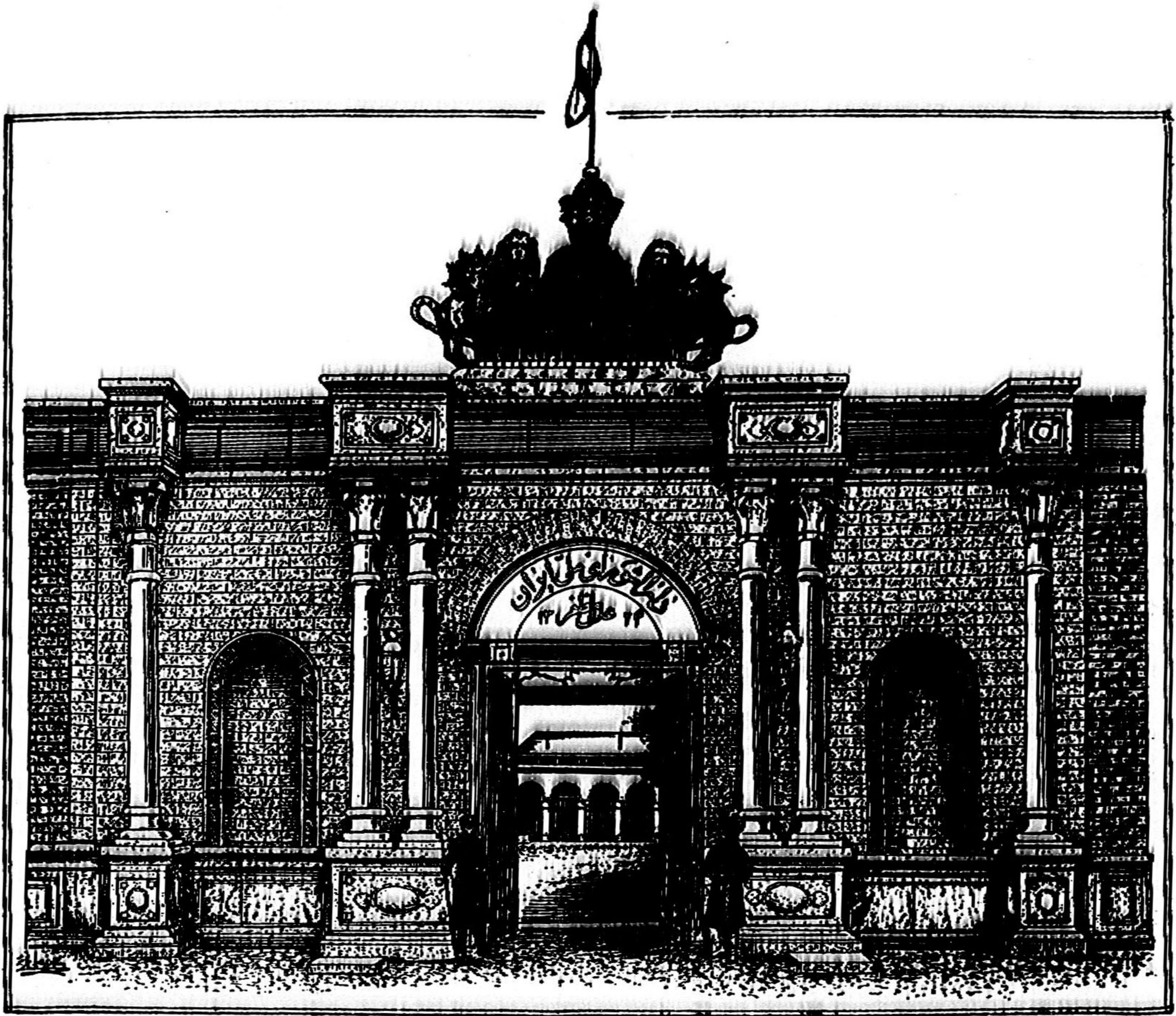
در شماره ۱۰۶ مذاکرات مجلس مربوط به جلسه ۱۴۱

صفحه ۲۱۷۹ ستون اول سطر آخر آقایان حاج میرزا حبیب الله امین و جلائی و شیروانی راجع به جزو دستور شدن خبر کمیسیون بودجه در موضوع کمک خرج بلده اصفهان پیشنهادی داده اند اشتهاً امضای آقای شیروانی درج شده و اینک سطر آخر صفحه ۲۱۷۹ ذیلأً تصحیح میشود:

« پیشنهاد آقایان حاج میرزا حبیب امین و جلائی و شیروانی »

آقایان: دکتر سنک - امام جمعه شیراز - خطیبی -
افشار - سید ابراهیم ضیاء - آقا علی زارع - مهدوی -
عباس میرزا - غلامحسین میرزا مسعود - فرمند - وزیر -

تشکیل گردید (صورت مجلس پنجشنبه می ام شهریور را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)



مذاکرات مجلس

دوره شانزدهم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۲ مهر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۸ ربیع الاول ۱۳۴۶

جلسه ۱۴۷

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان: دکتر سنک - امام جمعه شیراز - خطیبی -
 افشار - سید ابراهیم ضیاء - آقا علی زارع - مهدوی -
 عباس میرزا - غلامحسین میرزا مسعود - فرمند - وزیر -

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا
 تشکیل گردید)
 (صورت مجلس پنجشنبه میام شهر یور را آقای بنی سلیمان
 قرائت نمودند)

طباطبائی و کبلی - ثقة الاسلامی - اسکندری - عدل - جوانشیر - میرزا ابراهیم آنتیان - ملک آرائی - حاج شیخ عبدالرحمن - زعیم - آیه الله زاده اصفهانی - احتشامزاده - جهانشاهی - دکتر لقمان - میرزا حسن خان وثوق -

غائبین نی اجازه جلسه قبل

آقایان: حاج آقا رضا رفیع - محمد ولی خان اسدی علیخان اعظمی - نظام مافی - باسائی - قوام شیرازی - افسر - آقا زاده سبزواری - حاج حسن آقا ملک - فرشی حاج غلامحسین ملک - امیراسدالله خان عامری - فومنی در آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: شیروانی - شریعت زاده

در آمدگان نی اجازه جلسه قبل

آقایان: سهرابخان - مرآضی قلیخان بیات - بهار - سلطان ابراهیم خان افخمی -

رئیس - صورت مجلس مخالتی ندارد .

(گفته شد خبر)

رئیس - آقای امیر حسینخان

امیر حسینخان - عرض کنم در جلسه قبل جمعی از آقایان محترم پیشنهاد نمودند که لایحه اعتبار بلديه در درجه اول جزو دستور باشد و چون جمعی دیگر از آقایان علاقه مند بودند لایحه مستمری علماء ساوجبلاغ مکرری زودتر تصویب شود عقیده داشتند آن مسئله جزو دستور شود و از رای دادن به اعتبار بلديه خودداری نمودند و حال آنکه بنده معتقدم که آقایان کمال علاقه مندی را دارند که بلديه يك اصلاحاتی لازم دارد

بکنفر از نمایندگان - بلديه قانونی .

امیر حسینخان - بلی بلديه قانونی که هر چه زودتر اصلاح شود . خود آقایان ملاحظه میفرمایند که شهر طهران از حیث بی آبی چقدر صدمه میکشد وضعیت عبور از خیابانها چقدر سخت است چقدر خیابانها تنگ است مخصوصاً با بودن این کامیونها و اتومبیل ها

به عقیده بنده یکی از لوابخ خیلی واجب است آقا سید یعقوب - دو نفر موافق پشت سر هم !! رئیس - پیشنهاد کرده اند .

آقا سید یعقوب - دو نفر موافق که پشت سر هم نمیشود .

دشتی - (خطاب به آقا سید یعقوب) اگر شما رئیس هستید بفرمائید .

آقا سید یعقوب - مختارید بنده که بکنفر هستم . دشتی - اگر آقا سید یعقوب اجازه بفرمایند عرض کنم .

امروز طهران با این آب و هوا و آفتابروز به روز مسلولینش زیاد میشود . از روی احصائیه که

اداره صحیه و اداره بلديه نشان میدهد روز به روز مسلولین زیاد میشوند این برای چیست ؟ برای نبودن آب

و زیادی کرد و خاک خیابانها است با این اتومبیل های فراوان . یکی از مواردی که ضرورت پیدا کرده است

که این لایحه آورده شده است مسئله بی آبی شهر است . امسال بواسطه نبودن آب میدانید چه گذشته ؟

آوردن آب جاجرود به طهران از اهم فرائض است و از این وجه تقریباً نود هزار تومان تخصیص داده شده

است برای آوردن آب بطهران و بقیه هم اختصاص داده شده است به ساختن خیابانها و بنده تعجب دارم

که چطور آقایان در جلسه پیش رأی نداده اند در صورتیکه این مسئله ناس دارد با حوائج عمومی و امیدوارم که

آقایان رأی بدهند رئیس - آقای روحی

روحی - بنده موافقم رئیس - آقای استرابادی

معتضد استرابادی - این معمول مجلس که دستور جلسه بعد را در جلسه قبل معین می کنند فلسفه خیلی مهمی است و آن این است که

آقای دادگر هم يك روز مفصلاً به عرض مجلس رسانند

رئیس - آقای دادگر

يك مطالبی که سابقه ذهني دارد و انسان در اطرافش مطالعه و دقت میکند يك فکر هائی در اطراف آن میکند ولی يك لوابجی که هیچ سابقه ندارد و شاید اغلب آقایان هم همراه ندارند این لایحه جزء دستور شود اغلب آقایان ذهنشان متوجه نیست . این لایحه که میفرمایند جزء دستور شود همانطور که آقای دشتی هم فرمودند يك موضوع مهمی است و صلاح جامعه این است که این مسئله مطرح شود ولی بنده ابتدا به ساکن الان يك چیز هائی بنظر رسیده است که مجبورم مخالفت کنم و شاید اگر مطالعه می کردم این چیز هائی که در نظرم برای مخالفت هست حل میکردم و محتاج بمخالفت در مجلس نمیشدم بنا بر این ممکن است آقایان اجازه بدهند در جلسه آتی در اول دستور گذارده شود که ما هم در خارج در اطرافش يك دقت هائی نموده و مخالفت بی پایه نکرده باشیم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

(سه فقره پیشنهاد بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم خبر کمیسیون بودجه راجع بتخصیص صد و بیست و پنج هزار تومان بلديه در درجه اول و خبر کمیسیون بودجه راجع به تخصیص عایدات مستغلات به بلديه طهران در درجه دوم جزء دستور شود

امیر حسینخان - بی سلیهان

پیشنهاد میکنم : خبر کمیسیون بودجه راجع باعتبار صدر بیست و پنج هزار تومان بلديه طهران قبل از قانون بلديه مطرح شود .

دشتی

پیشنهاد میکنم : خبر کمیسیون بودجه راجع به فرخ خان ولد کاظم خان عضو سابق گمرک جزو دستور امروز شود . عبد الله وثوق

میرزا عبدالله خان وثوق - بنده موافقت میکنم که پیشنهاد بنده در درجه دوم گذارده شود

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که پیشنهاد آقای امیر حسینخان دو جزء دارد یکی عبارت است از صدور بیست و پنج هزار تومان و یکی هم عواید مستغلات است ولی پیشنهاد آقای دشتی يك قسمت دارد. بنده استدعا میکنم پیشنهاد آقای دشتی را مقدم بدارید چون راجع بقسمت عوائد مستغلات بعضی از آقایان نظریات دارند

رئیس - آقای امیر حسینخان

امیر حسینخان - پیشنهاد آقای دشتی يك قسمت است و قسمت اول پیشنهاد بنده هم عین همان است و ممکن است پیشنهاد بنده را نجزیه کنند که در ضمن رأی پیشنهاد ایشان هم گرفته شده باشد

رئیس - رأی گرفته میشود پیشنهاد آقای دشتی

آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر کمیسیون بودجه قرائت

میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است از اضافه عایدات ۱۳۰۵ مبلغ یکصد و بیست و پنجهزار تومان برای جبران کسر عایدات بلديه در طهران در ۱۳۰۶ مصرف و پرداخت نماید.

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - بنده خیلی متأسف هستم توضیحاتی که آقایان محترم در پیشنهاد دادند با این لایحه دولت یا خبر کمیسیون کاملاً مخالف است. زیرا در خبر کمیسیون مینویسد از بابت کسر عایدات بلديه ولی توضیحاتی که آقایان دادند این صد و بیست و پنج هزار تومان اختصاص میدهند برای آوردن آب جاجرود به طهران و پرداخت قیمت دکاکینی که خراب شده است مسئله خیلی فرق دارد کسر عایدات بلديه مربوط به گذشته میشود یعنی بلديه يك عایداتی داشته و يك مخارجی کرده و حالا

فهم خودم صرف نظر کنم و اگر واقعاً قانون اساسی را همینطور که بنده عرض میکنم میفهمند پس باید تصدیق کنند ما که در این مملکت معتقد به اصل مالکیت هستیم و این اصل را محترم میشماریم هیچ مالکی را از تصرف مالکش نمیشود انزاع کرد ولو اینکه مصالح عمومی اقتضا کند مگر اینکه مجوز شرعی داشته باشد بعد هم قیمت عادله تأدیه شود و الا اگر بنا شود این اصل در مملکت محفوظ نباشد و هر کس بعنوان اینکه فلان ترتیب لازم است يك اقدامات بکند و اصول را از بین ببرد ما دیگر هیچوجه نمیتوانیم در این مملکت زندگی کنیم. بنده در این باب نظریاتی دارم و کاملاً موافق هستم با عملیات بلديه ولی به شرط اینکه قبلاً يك قانون تدوین شود که مجوز شرعی معلوم شده و قیمت عادله هم تعیین شود. آن شخصی که با بنده مذاکره میکرد میگفت اگر با این ترتیب خیابانها را وسیع کنند یعنی اگر قانون اساسی از بین برود و قتلی اتفاق بیفتد آیا بهتر نیست از این ترتیب که شما میگوئید؟ من گفتم خیر عقیده ندارم. زیرا اگر يك قتلی اتفاق بیفتد این قتل تصادفی است زیرا هیچ کس نمیخواهد در حین عبور کسی را بکشد و این تصادفی است. ممکن است يك خیابان عریض و طویلی باشد قتل هم اتفاق بیفتد ولی اگر رعایت اصول نشود يك جماعتی که امروز عمر معاششان از این دکانت و خانه و مستغلات است اگر خانه یا دکان او را خراب کنند يك جماعتی عمر معاششان از بین میرود و این تقریباً يك خانواده را از بین برده است و این عمده است ولی اگر يك اتفاقی در خیابان افتاد از حیث حوادث است او میگفت نظر کفیل بلديه هم همین است یعنی نظرشان این نیست که چیزی بآنها داده نشود بلکه میخواهند خود مردم بروند اقدامی کنند بلکه راه حلی برای این کار پیدا شود. بنده بیشتر تعجب کردم گفتم مردم کجا بروند راه حل پیدا کنند خانه مردم خراب شود بعد خود مردم بروند شکایت کنند

و راه حل پیدا نمایند؟ برای جبران خسارتشان کجا بروند شکایت کنند؟ بعدلیه بروند شکایت کنند؟ به کجای عدلیه؟ خود عدلیه بنظر بنده امروز مظلوم واقع شده. برای اینکه بقول شخص مطلع الان هشت ماه است بیش از سه هزار نفر در محبس ها به انتظار محاکمه مانده اند یعنی مدعی العموم یا مستنطق قرار توقیف آنها را که صادر کرده عدلیه منحل شده و اینها در محبس ها بانتظار محاکمه مانده اند يك عده شان مرده اند و يك عده شان منتظر محاکمه هستند. با این ترتیب مردم چطور بروند شکایت کنند باید يك ترتیبی شود که اسباب زحمت مردم فراهم نشود و مردم پولشان برسند واقعاً این تعجب آور است دو نفر ایطالیائی را در يك مملکتی محکوم کرده بودند همه دنیا سربلند کردند که این محکومیت صحیح نیست ولی در این مملکت قریب سه هزار نفر به انتظار محاکمه در این هوای گرم تابستان در محبس ها مانده اند و تکلیفشان معلوم نیست بنده تصور میکنم باید يك ترتیبی کرد که مردم در آسایش باشند خانهای مردم را خراب کردن و پول هم بآنها ندادن البته صحیح نیست از یکطرف هم تصور میکنم کفیل بلديه حقیقتاً خواسته است کار خوب بکنند ولی دولتهای وقت در این خصوص قدری خود داری کرده اند چون حقیقتاً يك قوانین دیگری لازم است که مبین اصول قانون اساسی باشد. اصل پانزدهم قانون اساسی میگوید: هیچ مالکی را از تصرف مالک نمیشود خارج کرد مگر با مجوز شرعی آهم پس از تأدیه قیمت عادله این اصل مبین لازم دارد یعنی دولت باید يك قانونی بیاورد که طریق مجوز شرعی و طریق تقویم را معین کند ولی نیاورده است. مجلس هم در این کار خود داری کرده است و کلاً نایستی این کار را کرده باشند. بنده حق میدهم به بعضی از وکلا که يك طرحهایی بمجلس پیشنهاد کردند و در این ادوار تقنینیه چون طرف توجه نشد آنها هم نتوانستند حقیقتاً به وظیفه خودشان عمل کنند و يك طرح هائی که مبین قانون اساسی باشد پیشنهاد کنند مخصوصاً در این موضوع

راه که در مملکت ساخته میشود تصادف میکند با املاک مردم و در هر کجا بخواهند در املاک مردم تصرفاتی بکنند يك قانونی لازم است که هم مجوز شرعی را معین کند و هم طرز تقویم را. بنده در این چند روزه بنظرم رسید که يك موادی را بمجلس پیشنهاد کنم که برود بکمیسون مبتکرات و از آنجا بیاید بمجلس. نمیخواهم بگویم این مواد کامل است. خیر ناقص است. ولی امیدوارم وقتی بمجلس آمد و در اطرافش مذاکره شد اصلاح شود. این است که پیشنهاد کرده ام وقتی ضرورت اقتضا کرد که يك املاکی از مالکین گرفته شود طرز مجوز شرعی و تعیین قیمتش معین شود که حقیقتاً اگر دولت بخواهد برای مصالح عمومی کار خوب بکند تکلیف معلوم باشد. مثلاً امروز بلدی میخواهد کار خوب بکند واقعاً خیابان چراغ برق راه عبور را بر مردم تقریباً مسدود کرده است و بایستی عریض بشود. از يك طرف بلدی حق دارد از يك طرف هم ما که نماینده این ملت هستیم حق داریم که از حقوق موکلین خودمان دفاع کنیم و هر موقعیکه يك عملی بر خلاف قانون اساسی میشود در این مجلس تذکر بدهیم و نگذاریم بر خلاف قانون اساسی اقداماتی بشود. از طرفی هم باید تسهیلاتی فراهم کنیم. و در حقیقت اگر يك قانونی نباشد که مبین اصل پانزدهم قانون اساسی باشد که طریقه مجوز شرعی و قیمت عادلانه را تعیین کند نه شهر ما درست میشود و نه بلدی میتواند يك قدم اصلاحی بر دارد. این است که بنده يك طرحی تقدیم میکنم و استدعا میکنم آقایان هم توجه فرمایند و این موضوع هم اگر بترتیبی است که در لایحه نوشته شده و برای حساب گذشته باشد بنده حقیقتاً مخالفم برای اینکه حسابهای گذشته بلدی معلوم نیست به مجلس که نیامده که معلوم شود حساب چه بوده؟ و با کی بوده ولی يك بیچاره هائی خانهاشان را خراب کرده اند و عجالتاً این خیابان هم به این حال افتاده است و واقعاً بد است

باید البته این خیابان درست شود از آنطرف هم يك مردم بیچاره خانهاشان خراب شده که شاید این خانه و مستغلات محل ارتزاقشان بوده و شاید دیگران هم به این درد مبتلا شوند اگر این پول تخصیص شود برای خانه خرابها و آوردن آب به شهر به شرطی که صورت مخارج آنها به مجلس بیاید بنده هم با این صد و بیست و پنج هزار تومان با اینکه یقین دارم در ۱۳۰۵ اضافه عایداتی نیست باز موافقت میکنم بجهت اینکه بودن اضافه عایدات مستلزم بودن يك پول موجودی است. اضافه عایدات وقتی است که اضافه مخارج نباشد. ما از ۱۳۰۵ محققاً پول موجودی نداریم. ولی مخارج ضروری مملکت را هم نمیشود نکرد برای اینکه اضافه عایدات نداریم. البته ممکن است يك وقتی يك مالیاتی وضع شود که مردم قبول کنند چرا؟ برای اینکه منافع عمومی اقتضا میکند و البته نباید این ضرر هم متوجه افرادی بشود که از این محل ارتزاق میکنند. اگر این مبلغ برای این خانه خرابهائی که خانه شان خراب شده و برای آنهائی که بعد خراب میکنند و برای آوردن آب به شهر باشد بنده هم مخالفتی نمیکنم با اینکه میدانم اضافه عایداتی نیست ولی اگر برای کسر مخارج بلدی باشد چون بنده اطلاع ندارم مخالفم و آقایانیه هم که پیشنهاد کرده اند در توضیحاتی که دادند نظرشان همین بود که انشاء الله مردم راحت باشند.

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم که همانطور که آقای دکتر گفتند این لایحه از این نقطه نظر برای ما جالب شد که برای جبران خسارت مردم از یکطرف و برای آوردن آب طهران از طرف دیگر میباشد. و الا کسر عایدات بلدی متضمن يك معلومانی بود که بدانیم این کسر از چه راه و از کجا است؟ و برای چیست؟ حالا عبارت لایحه وافی به مقصود نباشد ولی با توضیحاتی که در کمیسیون بودجه داده شده و حالاً هم داده میشود منحصرأ

بنظر ما برای این دو موضوع است: یکی جیره خسارت اشخاصی که از این راه خسارت رده اند. دیگر برای آوردن آب به شهر. در اینجا که نظر موافق پیدا کردیم برای اینکه خودشان هم فرمودند اگر مقصود این باشد موافقت. آقای مدرس هم گویا همینطور اظهار عقیده فرموده اند. يك مسئله هست که امروز اقتضا پیدا کرد که بنده عرض کنم آن این است: مثلاً صحیحه را مثال مبرزم وقتی که مباشر يك خدمتی توانست وظیفه خودش را ابقاء کند اینطور اقتضا میکند که انسان به پیشنهادهای او قیافه مساعد نشان بدهد. بنده همیشه عرض کرده ام کسانی که کار خیر و نیک میکنند مطلقاً به اینکه گفته شود کار خیر و نیک میکنی کافی نیست باید لوازم اسباب موفقیت او را فراهم کرد و لوازم و اسلحه کار به او داد. آقایان میدانند بنده عادت به این طور حرف زدن ندارم و سیره بنده این نیست که از کسی مدح کنم. ولی بعضی اوقات اگر آن کسی که مباشر کار نیک است گفته شود جسارت جلو رفتن و بهتر کار کردن را پیدا میکند. تنها منطق بنده این است. بوزرجهری سرهنگ کریم آقا. بنده بلدیهای سابق و اوضاع و اشکال آن یاد هست آن میدان توپخانه و آن دریای پول که در آن چند مظهر مربع صرف شد نظرم هست. آن اوضاع مشوش شهر بخوبی نظرم هست بینی و بین الله بدون اینکه ما از قوای موجوده بخواهیم نمجیدی کرده باشیم که ما را به پستی معرفی کنند عرض میکنم سرهنگ کریم آقا مرد مفیدی است. در زمان مباشرت در خدمت بلدی صبح زود آمده، مواظبت کرده، مراقبت کرده، به جزئیات پرداخته، صرف وقت کرده، کار کرده، رشوه نگرفته، حقه بازی نکرده، و بالاخره يك آدمی را که دارای چنین مکارم اخلاقی است باید مزد داد و بهترین مردها به این اشخاص این است که لوازم کارشان را تهیه کرد که بیشتر و بهتر وسیله کارشان فراهم شود. ما که در این مملکت ساکن

هستیم و عشره وفامیل داریم از او راضی هستیم. اما اینکه نظر آقا به قانون اساسی و قانون شرع معطوف بود. البته اینجا اشخاصی هستند که از این حیث تقدم دارند در اظهار عقیده و بنده همیشه اجتناب میکنم که وقتی من به الکفایه هست داخل در حدود و حقوق آنها بشوم و آنها را آزاد میگذارم. تنها چیزیکه بنده بنظرم می آید این است که در مقابل عسر و حرج اینگونه تسهیلات گویا جائز باشد و میشود درش قائل به اجمال شد. خود بنده عقیده دارم که از نقطه نظر عرفی (حالا شرعیش را به خبره هایش واگذار میکنم و تجاوز بحقوق آنها نمیکنم) ولی واقعاً این قیافه خیابانهای کشیف با اینکه احتیاجات ما عوض شده. سابق بر این ما کوچه برای الاغ ساخته ایم حالا که اتومبیل آمده است باید گشادتر بشود زیرا چیزی که باید از آن عبور کند حجیم تر و بزرگ تر است و بالاخره باید به این نوع افکار کمک کرد. قضیه که بیشتر در نظر ما اهمیت دارد و مخصوصاً امسال زحمتش را حس کردیم موضوع آب است. يك چیز مهم در اخلاق ما هست که این چیز غربی است!! شاید در ملل دیگر هم باشد ضرر هائی که با ما تماس دارد ما می فهمیم ولی اگر بگویند در آینده می آید یا مدتی ازش گذشت دیگر احساس نمیشود. مثلاً آب شهر. امسال از این حیث ما خیلی سخت گذشت محلات دور دست شهر آب نداشتند و مردم خیلی بد گذشت و عملاً دانسته شد که اگر باران نیارد و در کوهسارهای ما برف کافی نیفتد ما باید از تشنگی بمیریم و این طرز زندگانی غربی است که اهالی يك پایتختی زندگانش متوقف بر این باشد که باران بیاید و اگر باران نیاید اهالیش بسوزند. بنا بر این بنظر بنده خلاصه مذاکرات این است که چون این قضیه مربوط به دوکار خیر که یکی جیره خسارت مردم و دیگری رفیه حال اهالی و بسکنه طهران است عقیده بنده این است که باید کمک کرد و با آنها موافقت و مساعدت

نمود. ضمناً میخواهم آقای مدرس را توجیهات را جلب کنم که اگر احیاناً نظری هست که بالاخره میخواهند میخ کوب شود که این اعتبار اختصاص پیدا کند به این دو موضوع پیشنهاد بفرمایند ما هم اجابت خواهیم کرد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

تقی زاده - بنده مخالفم

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم و عقیده ام این است که نه تنها حالا کافی نیست بلکه پس از مذاکره کردن ده نفر دیگر هم کافی نیست و هیچ دلیلی قویتر از این برای تصحیحی کار نیست که ما بگوئیم که باید يك همچو چیزی که بعقیده من هزار عیب دارد همینطور تا وارد مجلس شد کور کورانه تصویب کنیم اقلآ آقایان اجازه بدهند که مردم مطالب خودشان را بگویند کار شکافته شود ایشان اظهاراتشان را کردند ما گوش دادیم با کمال آرامی ما هم حرفمان را بگوئیم بعد رای بگیریم فوراً رأی دادن بکفایت مذاکرات خیلی ناشایسته است

رئیس - رأی میکشیم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده اینکه با کفایت مذاکرات هم مخالفت کردم واقعاً خیلی حرف دارم در این مطلب ولی برای اینکه نمیخواهم خیلی مطول کنم بطور اختصار عرض می کنم. ما در اینجا مکرر درباره صرف پول مملکت مذاکرات کردیم اگرچه از مدتی باینطرف هیچ فرصتی برای ابتکار بدست نیامده است که ما در این باب (که بعقیده بنده مهمترین وظایف مجلس همین است) صحبت کنیم ولی چون بودجه به مجلس نیامده است و بعقیده

(همه معترضی از نمایندگان)

تقی زاده - رای این شهر چیزی که لازم است بلدی به درست بکنند این است که آبش باید تمیز باشد. باید میکرها را دفع کنند. برای صحت مملکت باید کار بکنند. برای مردم نان تهیه بکنند (بعضی از نمایندگان صحیح است) همیشه دو سه تا از این چیزهای خوب را میگذارند نوبی جیبشان و در مقابل آن پنجاه چیز دیگر میآورند و فوراً میخواهند بگذارند! بنده هیچ شریک نیستم که به خانه های مردم پول بدهند. چرا؟ برای اینکه اصلاً نباید خراب کنند. کی گفته است خراب کنند؟! شما يك کسی را داشته باشید هر روز ول کنید نوبی کوچه ها مردم را مجروح بکنند آنوقت بگوئید دبه بدهیم! چرا خراب بکنند؟ خراب بکنند برای اینکه اتومبیل تند برود؟! هیچ لازم نیست. برای مملکتی که باین درجه فقر دارد و مردم از مالاریا صد هزار نفر میمیرند نان ندارند بخورند لباس ندارند بپوشند باید پایتختش خیابانهای خوب داشته باشد که دیگران بیایند با اتومبیل بروند؟ ابدأ لازم نیست. این اکبر کبائر گناه است!! کی گفته است این خیابانها را خراب بکنند. شما میگوئید اینها را خراب کرده اند. حالا که بیچاره مردم خانه هایشان خراب شده بیایید پول بدهید! مگر ما گفته بودیم که خراب کنند؟ پولیکه بلدی در این مملکت باید صرف کند فقط باید مربوط بصحیه باشد و مربوط بامور صحتی مردم باشد. آبش باید تمیز باشد انواع و اقسام میکرها را دفع کند. در کوچه ها جاهائیکه زباله ها ناخوشی میآورد آنها را رفع کند مختصر روشنائی هم اگر در شبها در فاصله صد متر دوست متر يك چراغ باشد کافی است. از همان چراغهای قدیمی هم باشد خوب است. عیبی ندارد. اینجا پاریس نیست. (جمعی از نمایندگان - صحیح است) اگر دارائی تمام مردم این مملکت را بشمارند بقدر يك محله پاریس پول ندارند. (صحیح است) بعضی آقایان میگویند مخصوصاً

یکی از آقایان قاعده اصولی را آوردند اینجا. گفتند لاضرر ولاضرار. اما آن جائی که مال مردم را از دستشان میگیرند مجوز شرعی دارد. (نمایندگان - صحیح است) آنجائی است که قشون اسلام باید از آن راه برود شارع عمومی است با مثلاً راه آهن است منافع نظامی دارد. نه اینکه اتومبیل چند نفر از آنجا میخواهد عبور کند شما آنچه که برای تجملات در این شهر میکنید دوست و هجده هزار نفر ابدأ علاقه بانها ندارند. برای دو هزار نفر فرنگی مآب است که میخواهند تجمل داشته باشند....

دادگر - از کاوه یاد گرفتیم.

شیروانی - روحا و جسمها باید فرنگی شد.

تقی زاده - این شهر قشنگی لازم ندارد. بله آنها گفتند اصول تمدن را باید آورد. اگر پیروی از من میکنید من کفتم اصول تمدن را معنویاتش را بردارید نه صورتیاتش را! صورتیاتش هم خوب است ولی جائیکه يك مثقال از معنویاتش بردارید يك من هم از صورتیاتش بیاورید. نه جائیکه همه چیز را منحصر بصورتیات میکنید. شکل قشنگ و لباس قشنگ. يك خردل از روحیات درست بکنید....

شیروانی - آب پاك خوردن

تقی زاده - آب آوردن بشهر خیلی چیز خوبی است خانه های مردم را اگر با اجازه پارلمان و مجوز شرعی خراب کرده بودند و پولش را داده بودند کار خوبی بود. ولی این دو چیز را نمیشود داخل هزار چیز دیگر کرد و رأی گرفت. اگر يك وقتی برای آب آوردن از جاجروود بشهر يك اقتضائی بشود باید يك لایحه فوق العاده باین مجلس بیاورند يك عوارضی طرح کنند که از اهل شهر بگیرند ما فوراً تصویب میکنیم. این عرضی که بنده میکنم بعضی از آقایان آمدند اینجا فرمایشان فرمودند که رئیس بلدی آدم خون است و نیاتش پاك است بنده بانیث رئیس بلدی و مباشر هیچ کاری کار ندارم و هیچ

وقت هیچ حرفی نمیزنم که راجع بخونی یا بدی آن شخص باشد در هیچ جائی و هیچ وزارتخانه. و نظرم راجع به خود کار است. شاید هم نظارش خوب باشد ولی این اصل صحیح نیست که هر کس خوب باشد باید به پیشنهاد او ما کورکورانه رأی بدهیم! ما این جا نشسته ایم که حلاجی کنیم و مو شکافی کنیم و به بینیم که ابن آدم خیلی خوب ملتفت شدنش هم خیلی خوب است یا اینکه تنها خودش آدم خوبی است؟ اگر يك جائی را خوب ملتفت نشده باشد یکی از وکلای که بهتر ملتفت میشود باو میگوید. مجلس شورای ملی هم معنایش این است. مخصوصاً میخواستم این را عرض کرده باشم اینهایی را که بنده اینجا صحبت میکنم ممکنست یکی از آقایان بیایند اینجا و یکساعت هم در جواب بنده فرمایشان بکنند و بالاخره رای هم بدهند. ولی ما بیشتر حرفان را خطاب به ملت میگوئیم و امیدواریم در آینده تأثیراتی داشته باشد. اصلاً در آن مهالکی هم که خیلی پول دارند، هزارها میلیون و میلیارد پول دارند همچو موقعی که میرسد شهر قدیم را خراب نمیکند. خیابان از وسط شهر قدیم باز نمیکند. مساجد کهنه و اینها را خراب نمیکند. از یکطرف شهر که باز است طرف صحرا یا طرف کوه يك قانون میگذرانند که باید پنجاه ذرع عرضش باشد و چطور باشد و عمور زمان آنجا يك شهر جدیدی پیدا میشود. مثلاً طهران جدید. آن شهر قدیم را هم بحال خود باقی میگذارند يك میکنند بتدریج شاید خیابانها را هم عریض میکنند یعنی قرار می گذارند هر خانه که بعد از پنجاه سال صد سال اگر خراب شد و صاحبش خواست مجدداً بنا کند نیم ذرع عقب بکشد مثل این که در اسلامبول این قانون بود که نیم ذرع عقب بکشد. ولی هیچکس را نمیکوبند خانه ات را الان خراب کن ما میخواهیم خیابان درست کنیم بعقیده بنده آنچه که راجع به خانه ها است این رأی که میدهیم برای انومبیل

گرفتند. ولی خوب بالاخره این حق قانونی را که ایشان داشتند و استفاده کردند يك شخص دیگری هم حق دارد جواب بدهد و استفاده کند. راجع بصره جوئی که فرمودند باید صرفه جوئی کرد و باید دینار دینار را دقت کرد البته عقیده مقدس است و آقای فیروز آبادی هم که دارای این فکر هستند همه روزه در ضمن لوابیح این اظهار خوب را کرده اند. و البته صرفه جوئی هم از صفات حسنه اشخاص است و بشر باید همیشه رعایت این نکته را بکند لکن يك فکر دیگری هم هست در مسائلی که مربوط باجماعات و مربوط بزندانهای اجتماعی است و آن این است که اگر از یکطرف ما بتوانیم بوسیله سعی و عمل عایدات را زیاد کنیم و از یکطرف مطابق آن عایدات خودمان خرج کنیم. این راه بهتر است اتخاذ کنیم یا اینکه از يك طرف فقط تمام اوقات خودمان را صرف صرفه جوئی کنیم؟ کدام يك از اینها بهتر است؟ این دو فکر در دنیای سابق اصطکاک داشته ولی حالا بعقیده بنده يك طرف آن اصل مسلمی شده سابق بعضی ها قناعت را یکی از صفات خوب میدانستند و اشخاص قانع را عقیده شان این بود که باید ستایش کرد و شعرها داریم ادبیات در اطراف این قضیه داریم. ولی يك عدده فعلاً هستند که عقیده شان این است که باید در سایه سعی و عمل پیدا کرد و خرج کرد. حالا این مربوط بجامعه است. ما معتقدیم که باید جامعه در سایه سعی و عمل متمول شوند و خرج کنند....

فیروز آبادی - باید پیدا کرد و خرج کرد.

مخبر - اجازه بدهید. بنده هم عرض کردم باید

پیدا کرد پیدا نکرد که عرض نکردم. در هر صورت آقای فیروزآبادی و آقای تقی زاده عجلاله شق ثانی را اولی میدانند. میگویند باید در اطراف صرفه جوئی کار کنیم در ضمن فرمایشاتشان فرمودند يك مملکتی که وسایل انومبیل رانی ندارد خیابان ندارد بهمان الاغ ها و شتر

ها قناعت کنند. ما داری ابن عقیده نیستیم. ما عدده هستیم که میگوئیم در مملکتی که وسیله انومبیل رانی ندارد باید وسیله اش را تهیه کرد. انومبیل هم برای آن تهیه کرد. کارخانه انومبیل سازی هم ساختن همین هم تهیه کرد. خیابانها را هم وسیع کرد. الاغها را هم باید گفت تشریف ببرید. این عقیده ما است. حالا يك عدده میگویند باید ساخت با الاغ. فرمودند کی گفته است خیابانها را خراب بکنند. وسیع بکنند که پولش را بدهند. بنده هم عرض میکنم هیچکس نگفته، خیلی هم موافق در این کار موجود است. چندین هزار سال است که این موافق موجود است در تمام دنیا هم موجود بوده بالاخره يك عدده کثیری هم هستند که اکثریت هم دارند میگویند ما باید در همان کودال های چاله میدان زندگی کنیم. ولی بالاخره تمدن بشری میگوید باید خیابانها را خراب کرد و باید راه باز کرد و خانه های کثیف را تبدیل به خانه های خوب کرد. اما قانون اساسی: بنده خیلی متأسفم که گاهی در مواد قانون اساسی تبعیضاتی مثلاً از اشخاص معین ظهور می کند. بنده نمیدانم کجای قانون اساسی خوب است و کجایش بد است؟ ...

کازرونی - همه اش بد است.

شیروانی - همه اش بد است؟ بسیار خوب بنده

هم باشما موافقم. آقای دکتر مصدق يك جای قانون اساسی را چسبیده اند ولی يك ماده دیگر را با آن شریعت مآنی که امروز اینجا اظهار کردند یکسال ونیم است وکالت دارند و هنوز قسم نخورده اند. مگر آقایان قانون اساسی نگفته است شما قسم بخورید؟ بفرمائید آقای مدرس که در دوره سابق فرمودند شما الان وکیل ناقص هستید. برای اینکه ایشان عقیده داشتند هر کس قسم نخورد وکیل ناقص است. آن ماده را شما زیر پا گذاشته اید به خانه های خیابان چراغ برقی چسبیده اید؟ آقای تقی زاده فرمودند اینجا پاریس نیست البته ما هم تصدیق

میکنیم که اینجا پاریس نیست. پارسال هم که روضه داشتیم در مجلس یکی از اهل منبر فریاد زد که اینجا پاریس نیست خیلی هم تصدیق کرد که وکلا همه مسلمان هستند و مبادی آداب. ولی همانطور که گفتیم البته روحاً نمیخواهیم پاریس بشود ولی طهران عیب دارد پاریس بشود؟ بنده نمیدانم این را آقای تقی زاده عیبی برای ملت شش هزار ساله میدانند که اینجا پاریس بشود. که او هم حق داشته باشد در يك فضائی مثل پاریس زندگی کند؟ و يك کله که آقای تقی زاده اینجا تکرار هم فرمودند مرور زمان و تدریج بود. این هم يك عقیده است که باز مخالف دارد در دنیا. يك عده معتقد هستند که ما باید آئینه خودمان را بدست قضا و قدر و مرور زمان و تدریج بدهیم. يك عده هم خلاف این عقیده را دارند میگویند خیلی سریع و تند وقوی باید کار کرد و قدم یکصد ساله را اگر ممکن است در يك روز برداشت. آنها بیکه عقیده شان يك قدری سرعت عمل است همانطور که اینجا گفته شد عده زیادشان پیرو عقیده آقای تقی زاده هستند برای اینکه ایشان به کرات گفته اند و نوشته اند که این مملکت پانصد سال عقب است. هر يك قدم تدریجی که ما بر میداریم در مقابل ما مللی هستند که پانصد قدم بر میدارند خیلی سریع. آنها میروند جلو و ما با این قدمهای تدریجی با آنها نخواهیم رسید. ما معتقد هستیم اگر وسایل سرعت عمل در دست باشد باید قدمهای سریع برداشت و تدریج را هم بکلی ما مخالف هستیم. برای اینکه تدریج ما به هیچ جا نخواهیم رسید. بلکه اگر يك کمی دیگر این قدمهای تدریجی ما تا سه چهار سال پیش ادامه پیدا کرده بود حالا در شکم آنها بیکه خیلی تند پیش میروند بلعیده شده بودیم ما میگوئیم خیلی باید سریع جلورفت و رسید بدنيا. آقای تقی زاده متأسفانه يك تناقضی در اظهارات امروزشان و عقیده سابقشان دیده شد. عبارت که بابت خط استعلیق خیلی هم درشت و برجسته نوشته شده است

این است که: ایران باید ظاهراً باطناً روحاً جسماً فرنگی مآب بشود. امروز ایشان صریحاً برخلاف این عقیده اظهارات فرمودند. البته بنده تصدیق میکنم آنوقتی که آقای تقی زاده این کله را نوشته اند در یکی از آثار آنها در طبقه پنجم و ششم و در يك فضائی نشسته بودند و مینوشتمند که غیر از این چاره نداشتند ولی امروز در يك محیط و خانه زندگی میکنند که برخلاف این عقیده میتوانند جلو بروند. برای اینکه ایران هنوز حاضر نیست بخودی خود و بتدریج و در اثر مرور زمان خودش فرنگی مآب بشود. و ایشان هم البته چون وکیل طهران هستند و خطایشان هم بملکت بود ملت هم باید بشنود عقیده ایشان چیست. ولی مادر ده دوازده سال پیش چون خیلی جوان تر از ایشان بودیم این حرفها در ذهن ما چسبیده و فراموش نکرده ایم و معتقدیم که این مملکت باید فرنگی مآب بشود. آقای تقی زاده فرمودند موافقت با اینکه آب خوب به طهران بیاورند و آب طهران را يك کاری بکنند ولی این لایحه اینطور نیست. بنده بر میگردد بجملة اول عرض خودم. يك عده هستند که اهل عمل هستند. عمل چه جور است یکی از عملیات مربوط به وکیل است. وکیل دو جور میتواند عمل کند که مقصود آقای تقی زاده بعمل بیاید و این لایحه بدین تصویر شود و آن این است که آقای تقی زاده عقیدشان این است که طهران باید آب خوب و روشنایی و چیزهای خوب و بالاخره معنویت باید داشته باشد. بالاخره تهیه آب يك همانطور بیکه فرمودند و جلوگیری از مالاریا و سل از همین طرق است. این را هم تصدیق کردند منتها فرمودند يك لایحه بیاورند برای اینکه برای مالیاتی وضع بشود و مردم پولی بدهند که اینکار درست بشود آقای تقی زاده باید یکی از این دوکار را کرده باشند یا تشریف برده باشند با هیئت دولت که خودشان تصدیق دارند هیئت دولت عقیده بایشان دارند و در قضا با آرزو دارند که ایشان بکوقت بروند راهمائی در مسائل مملکتی

بکنند تشریف میبرند آنجا میفرمایند که عقیده من برای تهیه يك آب پاك برای شهر این است که يك همچو لایحه در تحت این مواد و این پروژه که نوشته ام دولت از روی این يك لایحه درست کند بموضع این لایحه که بلدیته آورده به مجلس بیاورند ما هم رأی بدهیم یکی از راه های دیگر عملی که بکفوری دورتر است این است که آقای تقی زاده نظریات خودشان را در تحت مواد و طرح قانونی برای تهیه آب پاك برای شهر طهران تهیه کنند و کلای طهران و کلای سایر ولایات هم چون بنظریات صائب ایشان همیشه معتقد هستند طرح ایشان را باید امضا کنند و برود بکمیسیون حلاجی بشود و بالاخره هم نظریات ایشان بعمل بیاید و هم طهران دارای آب بشود ولی ایشان این کار را نکردند و بعقیده بنده راهی که همیشه حرف است و هیچوقت مقرون بعمل نیست این است که هر چیزی که ممکنست در اطراف او تنقید کرد وقتی میآید و مطرح میشود در این مجلس فریاد تنقید و بد بختی مردم و فقر جامعه تمام در اطراف این قضیه مطرح میشود اینها حرف است. خودشان هم فرمودند اینها حرف است من هم بملکت خطابه را کردم ولی رأی هم داده میشود و بنده عقیده ام اینست که حالا که آقای تقی زاده لا اقل آن دو مرحله عمل را اول کرده اند عجلاناً آقای مدرس و بعضی دیگر پیشنهادهایی تهیه کرده اند که خیلی هایش را هم بنده موافقم و ماده هم برای آن مقصودی که داریم گنگ است و برای اینکه بشود از این صد و بیست هزار تومان يك نفع عمومی مردم رساند باید ماده را طوری درست کرد که آن منفعت عاید مردم بشود لا اقل این مرحله عمل را آقای تقی زاده پیش بکشند که يك نفعی از این راه عاید مردم مردم بشود والا گفتن بنده و آقای تقی زاده هیچکدام فایده برای جامعه ندارد

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده خیلی میل دارم که فرمایشات

آقای شیروانی را همه را حمل بر حقیقت کنیم ولی دلم میسوزد از اینکه آقای شیروانی در موضوعات تبعیض قائل است. در بعضی جاها خیلی جدی و سریع است مثل سرعت برق. اما در بعضی جاها بقدری کند است و ملاحظه میکند و موانع ایجاد میکند که بنده که یکی از رفقای ایشان هستم عاجز هستم. در این لایحه که آمده است سرعت برق میگویند باید بگذرد در صورتیکه خود آقا در کمیسیون بودجه تشریف داشته اند. برای استحضار نمایندگان طهران مخصوصاً عرض می کنم الان پنج میلیون و نیم پول از خزانه مملکت به نان طهران داده شده ...

شیروانی -- کی کشف کرد این را؟ بنده تشف کردم آقا سید یعقوب -- خوب این را کمیسیون بودجه کشف کرد. بنده و آقای شیروانی که وکیل ولایات هستیم باید ناظر باشیم در عوائد مملکت و خزانه مملکت را در نظر داشته باشیم. آقای تقی زاده میگویند در شهر طهران باید از خود اهالی پول گرفته و خرج طهران بشود. بنده هم همین را میگویم که آقای شیروانی شما که امسال مسافرت کردید رفتید ناسیم علیاً آن مردم گرسنه و برهنه را دیدید بچه وجدان و حقیقتی (که من شمارا دارای وجدان میدانم) میآید در این جا رأی میدهید که صد و بیست و پنجهزار تومان از خزانه عمومی مملکت که باید مصارف عمومی مملکت بشود مصارف تأسیسات مملکت بشود. به مصرف شهر برسد؟ نایب الحکومه شیراز آمده است در سیم شکم پاره کرده است باید مصارف آنها کرد نه در طهران برای اینکه خیابانها تمیز و دارای چراغ باشد و گرد بلند نشود به کلاه و بقمه مان بنشینند اما تمام ولایات ایران بامال شود. بنده و آقای تقی زاده این عقیده را داریم. بنده عرض میکنم که طهران پایتخت ایران است و بهترین شهر هاست و باید پایتخت باشد اما کی باید بخارجش را بدهد؟ آنهایی که در سرحداث هستند؟ آنها بیکه در ولایات هستند؟! آنهایی که از

فشار و ظلم و جور حکام رفته اند در خارجه آنها باید بیایند این مصارف را بدهند؟! اینها مصارف شهری است صحبت ما تمام بر میگردد روی این مسئله چون اینها برای مصارف شهری است و باید اهل شهر بدهند خزانه مملکت نباید آرا بدهد بنده کاملاً میدانم که این بلدیه قدمه‌های سریع بر میدارد اما بمن چه ربطی دارد که وکیل ولایات هستم مگر بنده و جنابعالی ضامن هستیم که چون کسی صحیح عمل میکند بیاییم پول از جای دیگر بگیریم و بدهیم خرج اینجا بکنند. میگویند خراب کرده اند ما نباید بگوئیم خراب بکنند. بنده و جنابعالی که به قانون اساسی قسم خورده ایم باید اموال مردم را حفظ کنیم بدون اجازه و اطلاع ما چرا خراب می کنند؟!

بدون نظریات بنده و جنابعالی که مسئولیت خدائی و خلقی و وجدانی داریم چرا اینکارها را میکنند همه اینکارها را میکنند آنوقت میگویند بیایید رای بدهید ما اینجا چراغ برق بکشیم!! بلی چراغ برق خوب است. مثل اینکه گفتند فلان کس از گرسنگی مرد گفت داشت و نخورد. آقا نداریم!! مملکت ندارد!! شما که فقر و پریشانی ولایات را. همه دیده اید!! ما پنج میلیون و نیم الان روی ارزاق گذاشته ایم باز هم الان یکی یکی این صورتنی را که دیده اید میآورند خرج طهران کنیم!! یکی از این مخارج هفتاد و پنج هزار تومان خرج سد شراز است و هفتاد و پنج پارچه ده آنجا بکلی ویران شده و تمام اهالی آن متفرق شده اند چرا دولت آرا تعقیب نمیکند؟ چرا آرا پیشنهاد نمیکند؟ چرا نمیآید این حرفها را بشنود؟ چرا در میبرد؟ باید حرفهای وکلای ولایات را بشنود. مخالفت ما از این نقطه نظر است و الا بنده خیلی مایل هستم که آبهای شهر اوله کشیده شود اما نه از پول نقشه‌ها از پول طهرانها خرج کنند نه از پول بوشهر که آب طهران پاک بشود و طهرانها بخورند بنده هیچوقت اوصاف اجازه نمیدهد. زاعی که آقای تقی زاده بیان

کردند بنده هم تعقیب دارم سر این مسئله است. بنده و آقای تقی زاده و جنابعالی يك جماعتی بودیم که در اول لیبرال میگفتند یعنی آزاد بخوانان سریع. اما يك طوری که این طفل بکسبه ره صد ساله بخواد برود. هرگز نخواهد رفت. زمین میخورد این طفل باید مطابق مقتضیات مملکت حرکت کند باید قدم به قدم برود. باین نندی که میروید چنان زمین میخورید که قلمتان خرد شود و دیگر نتوانید بر خیزید.

معتضد استرآبادی - انشاء الله

شیروانی - مزخرف نکو.

آقا سید یعقوب - باید مقتضیات و حالات را رعایت کرد. بنده هم معتقدم که اموال مردم محترم است و اموال مردم را نباید درش تصرف کرد. بدون اجازه آنها نمیشود تصرف کرد وقتی تصرف و مداخله کردند بنده و جنابعالی مسؤل هستیم. بعد از آنکه این مملکت مشروطه شد باید کارهای ما مطابق اصول مشروطیت باشد. باید تمام کارها از مجلس شورای ملی بگذرد و يك کارهایی را که از مجلس نمیگذرد ما نباید رأی بدهیم ناآنکه سابقه نجرى آنها بشود. این مخالفت بنده از این جهت است که این مصرف محل خرجش از خزانه مملکت و عواید عمومی است عواید عمومی باید مصارف عمومی بشود. مصارف عمومی هم آن است که در بودجه مملکتی است نه در بودجه ادارات. در این موضوع دولت بیاید پیشنهاد کنند در لایحه مخصوصی برای خانه هائی که در طهران خراب شده است بنده هم که يك نفر طهرانی نیستم حاضر هستم که خیابانهایشان را درست کنند. اصل مسئله بر میگردد روی این که عواید عمومی را نباید در شهر خصوصی خرج کرد. شما میخواهید در شهر خصوصی خرج کنید آن وقت از يك محل و از يك جای دیگر اعتبار بدهید؟!

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده در این مخالفت هائی که راجع بلاجه

بلدیه شد فقط دو ایراد صحیح دیدم، یعنی دو ایرادی که قابل جواب دادن است و مابقی دیگر به حاشیه و يك مخالفتهای بی اساس بیشتر شبیه بود تا بمخالفات صحیح يك ایرادش این است که این پولی که خرج طهران میشود چرا باید از بودجه عمومی بر دارند. علتش این است که بلدیه عایدی مخصوصی ندارد. شما حق وضع مالیات قائل نشده اید، حتی در این قانون بلدیه که الان مطرح است يك ماده است که اعضای ها مخالفت میکنند که بلدیه نتواند عوایدی برای خودش وضع کند پس ناچارند که تمام بلدیه ها از بودجه کل مملکتی بر دارند.

اگر از بودجه کل مملکتی بر ندارد از کجا بر دارد؟ شما که حق وضع عوارض برای او قائل نیستید از کجا بگیرد؟ یکی دیگر اعتراضی بود که آقای دکتر مصدق کردند که حرف صحیحی است و آن این است که گفتند ما میل نداریم به کسر بلدیه داده شود و میخواهیم بمصرف آب طهران و ساختمان برسد. این حرف صحیح است. این را هم آقای مدرس و آقای دیبا و شاید يك عده دیگر هم پیشنهاد کرده اند که این پول بمصرف آوردن آب بطهران و جبران خساراتی که بمردم واقع شده است برسد. دو اطراف خراب کردن خیابانها يك صحبت هائی شد که حقیقه اگر بنده در مجلس نبودم و می شنیدم که آقای تقی زاده این مذاکرات را فرموده اند باور نمیکردم. بالاخره آقا: تمدن و ترقی یعنی چه؟ یعنی اقتباس علوم و صنایع و انظمه و تمام اصول زندگانی صحیح که مطابق عقل باشد. این چندین رشته دارد. يك رشته در معارف است. يك رشته در صحنه است. يك رشته در بلدیه است. از بلدیه شما متوقعید که مثلاً معارف مملکت را درست بکند؟ یا زراعت و فلاحات مملکت را رونق بدهد؟! تمام رشته های مملکت باید متساویا و متوازنا پیشرفت کنند. بلدیه باید در حدود اختیارات خودش اصلاحاتی بکند. وزارت معارف در حدود اختیارات خودش.

وزارت فلاحات و تجارت در حدود اختیارات خودش و بالاخره تمام وزارتخانهها در حدود اختیارات خودشان باید اصلاحات کنند. ولی اگر اصلاحات یکی ازدو اثر پیش آمد ما نباید بگوئیم چون آن دائره اصلاح نشده است اینهم نباید بشود. يك بلدیه که بخواد در شهری اصلاحات بکند اصلاحاتش چیست؟ اصلاحات آن یکی راجع بصحنه است. یکی راجع بتنظیف و تنویر شهر و از این قبیل چیزها است. راجع بتسهیل معارف عمومی است غیر از این که اصلاحات ندارد. مثلاً معتقد بودند که بلدیه معجز کند برایشان؟! وظیفه بلدیه اینها است. حالا که ما صحنه را اینقدر اهمیت می دهیم بعقیده بنده بواسطه بدی خیابان و بدی آب طهران صحنه طهران خراب است. طهران آب بقدر کافی ندارد. هر سال که آب يك قدری نقصان پیدا میکند اهالی دچار زحمت میشوند حالا فرض کنید امسال زمستان برف نیاید سال آینده چه خواهد شد؟ با این بی آب سال ۱۳۰۶ اگر سنه ۱۳۰۷ هم باران و برف نیاید چه خواهد شد؟ ... مدرس - باید هجرت کنند

دشتی - عرض کنم بنده خودم بار رئیس بلدیه مکرر در باب آب طهران و همچنین راجع بروشنائی شهر صحبت کرده ام. رئیس بلدیه معتقد بود که باید این فنوانی که الان در اطراف شهر موجود است اینها را در مقابل قصر نمرکز داد و بعد در آنجا (اکو) برایش بسازند برای تهیه برق و از برای این کار هم تقریباً چهار پنج ماه است مهندسین خودشان را فرستاده اند و مطالعات کافی برای این کار کرده اند حتی نقشه شان را بالمان فرستاده اند و اصلاح هم کرده اند و قریب چهار صد هزار تومان بر آورد کرده اند که خرجش است و منافعش را تقویم کرده اند که اگر چراغ را تا صبح بسوزانند و صد دینار بدهند در سال اول تمام مخارج را مستهلك میکنند و بعد از اینکه این مخارج را مستهلك کرد آنوقت بلدیه میتواند از عواید خودش

آب شهر را لوله کشی بکنند و آب شهر را از این کشتافان که امروز دچار هستیم محفوظ بدارد پس اگر ما فائل بتدریج هم بشویم بالاخره آن قدم اولی که مرحله اول تدریج است باید برداشته شود یا نه؟ ما بنشینیم سر جایمان از آسمان که کسی نمی آید این کارها را درست کند ما باید خودمان کار کنیم (پس للانسان الا ماعی) یکی از قدمهای اولی آوردن آب است بطهران و بنده غریب میدانم که وکلای طهرانی با آوردن آب بطهران مخالفت کنند بالاخره اگر مخالفت با ازدیاد بودجه یعنی خرج زائد ادارات دولتی بکنند بنده هم موافقت میکنم و حرف صحیحی است که نباید پول مملکت صرف پشت میز نشین ها بشود ولی با پولیکه صرف بکمقدار از حوائج مملکت میشود چرا مخالفت میکنید؟! يك فكر مسموم در مجلس پیدا شده است و آن صحبت مرکز است و ولایات بروید تمام جاهای دنیا را ملاحظه بفرمائید به بینید هیچ جای دنیا اینطور نیست. اگر که نسبت بولایات يك اجحافی بشود البته باید از آن جلوگیری کرد. اگر يك ظلم یا قصوری نسبت به آنجاها بشود باید جلوگیری کرد اما ما نباید فائل شویم به اینکه مرکز ما یعنی پایتخت ما مرکز کثافت باشد. این مسئله حتی در خود ولایات هم اینطور است مثلاً شهر تبریز از سایر شهرهای آذربایجان بهتر است. شیراز از سایر شهرهای فارس بهتر است. این امر طبیعی است. شما بر ضد طبیعت نمیتوانید اقدام بکنید. مرکز هر ناحیه و مرکز هر مملکتی بالطبع باید بهتر از سایر جاها باشد. عرض کنم در قسمت خرابی خیابانها می فرمایند کی گفته است خیابانها را خراب کنند. بنده عرض میکنم احتیاج گفته است. بنده وجدان آقایان را شاهد میگیرم کدام يك از شما ها وقتی از خیابان چراغ برق میگذشتید احساس نکرده اید که خیابان تنگ است؟ این چیز محسوس طبیعی است. بعقیده بنده ده سال هم هست دیر شده. يك خیابانی که هشت ذرع عرض دازد

و تمام کامیونها و بارکش ها و دو چرخه ها و چهارچرخه ها و الاغ و واگون از آنجا میگذرد این دیگر قابل عبور و مرور نیست ما هر سال از این راه مبالغی تلفات داریم. میفرمایند کی گفته که اتومبیل بیاورند! بنده که نگفتم اتومبیل بیاورند مجلس که بیاورده است. مردم خودشان اتومبیل می آورند. اقتباس تمدن مربوط به اراده بنده و شما نیست. خیابانها را که مضیقه انداخته اند حالا چه کنیم؟ يك طرحی شما تهیه و پیشنهاد کنید که کسی حق نداشته باشد اتومبیل وارد این مملکت کند. ولی راه عملی این نیست که کی گفت اتومبیل وارد این مملکت بشود. يك طرح قانونی پیشنهاد کنید و تمام وکلاء هم امضا کنند که يك اتومبیل از سرحد وارد مملکت نشود. این طرز عملی است. حالا این نظریه صلاح یا غلط است کار ندارم ولی راه عملی این است و بالاخره بعقیده بنده لایحه فعلی یکی از لوائح خوبست برای اینکه تماس دارد با حوائج ضروری مملکت و عرض کردم فقط دو ایراد است که صحیح است یکی اینکه چرا از بودجه عمومی میدهند که عرض کردم بلدیه بودجه ندارد البته وقتی که قانون بلدیه گذشت و توانستند عوارضی برای بلدیه ها معین کنند آنوقت حق این حرف را دارند. یکی دیگر اینکه چرا این پول صرف کسر عایدات بلدیه بشود. این را ممکن است با پیشنهاد آقای مدرس و سایر آقایان اصلاح کنند که فقط صرف آب آوردن به شهر و صرف مخارج ساختمان خیابانهای شهر بشود مخیر. عرض کنم نماینده محترم آقای آقا سید یعقوب در ضمن فرمایشاتشان (نمیدانم چه عرض کنم) با خواستند حمله به عقائد بنده بکنند یا اینکه عریض بنده را تحریف کنند. ایشان گفتند فلانکس بکوقت خیل تند میرود و بکوقت می آید اینجا میگوید باید این لایحه بهمینطور بگذرد. بنده اینطور عرض نکردم بنده عرض کردم عمل با حرف فرق دارد. آقای آقا سید

یعقوب وجدانا خودشان یکی از شهودی خواهند بود که بنده یکی از کسانی بودم که راجع به بودجه ارزاق ده ماه عمر صرف کردم تا اینکه کشف کردم که پنج میلیون و نیم پول این مملکت را خرج طهران هم نکرده اند و برده اند و خورده اند و بین خودشان تقسیم کرده اند. بنده عمر صرف کردم 'شبهه نشستم' اسناد جمع آوری کردم 'ارقام دیدم' تحقیقات کردم 'و بالاخره کشف کردم که پنج میلیون و نیم پول این مملکت را برده اند و بین خودشان تقسیم کرده اند بعقیده بنده اینکار است. بنده این کار را کرده ام و باز هم میکنم این عقیده را هم دارم که باید جلوی این خرج ها را گرفت. گفته میشود که صد و بیست و پنجهزار تومان خرج آب یا چراغ یا ساختمان طهران میشود. اولاً اگر ملتفت شده باشید بنده در پشت همین زیبون نه تعریف از کسی کردم و نه تمجید. نه گفتم فلان خرج باید بشود یا نشود. يك فرمایشات کلی آقای تقی زاده فرمودند و لازم بود يك جواب های کلی بایشان داده شود و معتقدم که باید بودجه این مملکت طوری نوشته شود که بمصرف صحیح و عمومی برسد مخصوصاً در مسائل مربوطه بلدیه

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

کازرون - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

کازرونی - عرض کنم بنده بیشتر مایل بودم که این لایحه بدون مذاکره بگذرد و بعضی حرفها زده نشود لکن جواب ها می که در مقابل مخالفین داده شد و اظهاراتیکه مخالفین کردند اگر حالا درست مطلب روشن نشود. و جواب مقنع داده نشود بیشتر مسئله شیده بهرج و مرج میشود. بکجواب قانونی به مخالفین داده نشده است. این جوابهایی که داده شده پشت باقانون اساسی و قوانین عمومی مملکت زده است. بنا بر این ما باید بیشتر مذاکره کنیم تا در ضمن مذاکرات يك راه حلی برای جواب

دادن بمخالفین پیدا کنیم که تصادف و تصادم باقانون اساسی که دیروز اینجا قسم خورده ایم که او را حفظ کنیم نباید این است عقیده بنده

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات کافی میدانند قیام فرمایند
(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای عمادی موافقتند؟

عمادی - بلی

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی مخالفید؟

حاج میرزا مرتضی - بلی

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا مرتضی - بنده درست در خاطر دارم در پشت همین زیبون آقای شبروان میفرمودند که این اتومبیل سواری در این مملکت چندی طول نخواهد کشید که زوت ایران را بر باد خواهد داد و چیزی برای هیچ کس باقی نخواهد گذاشت حالا آقای شبروان میفرمایند خیلی باید تند و سریع حرکت کرد. باید اتومبیل سوار شد و کوچه و خیابانها را کشاد کرد و خانه های مردم را خراب نمود. و مالیات که باچه زحمت و از چه اشخاص حقیر که با نان جو و علف بیابان گذران میکنند بگیرند و بیاورند در طهران و برای يك عده اشخاص که اینها پول دارند و با پول خودشان اتومبیل میخرند نامت برایشان میرسد خیابانها را وسیع کنند برای اینکه اتومبیل آقایان تند حرکت کنند و تفریح کنند. کدام انصاف و مروت حکم میکند که از يك اشخاص بد بخت پول بگیرند و خرج تفان و تفریح بکنند اشخاص در طهران بکنند؟ بنده نمیگویم خیابانها را وسیع نکنند. مطابق قانون اساسی خانه ها و دکانین مردم را بخرند و آنوقت خراب کنند. بعلاوه از یون آن اشخاصی که میخواهند اتومبیل سوار بشوند يك مالیاتی قرار بدهند. آنها می خواهند تفریح بکنند

و زندگان لوکس و اعیان داشته باشند مالیات بدهند برای اینکه خیابانهای طهران را تسطیح بکنند و تقدیم آفتابان نمایند که سوار اتومبیل شوند و در خیابان ها حرکت کنند نه اینکه بروند از مازندران و شیراز و سایر جاهای دیگر از يك بدبختهای فقیر بیچاره مالیات بگیرند و بیاورند این جا خرج تفهیم و تفنن يك عده اشخاص معدود بکنند. بنده بکنفر نماینده کرمان هستم و بنام اهالی کرمان عرض می کنم هیچ وقت روح هیچ يك از موکلین من رضایت ندارد و راضی نیستند که پول از آنها بگیرند و خرج این کار بکنند. چرا؟ برای چه؟ آفتابانیکه میخواهند اتومبیل سوار شوند خودشان پول دارند می توانند بدهند و خیابان های شهر را بسازند و درست کنند تا اینکه اتومبیل سوار شوند و تفریح بکنند. اما برای آوردن آب: اگر خشک سالی بشود البته همان رود خانه جاجرود هم که میخواهند از آنجا آب بشهر بیاورند بقدر کفایت آب ندارد. می فرمایند باید اهل این شهر منتظر بشوند که بارندگی بشود و برف بیاید تا آب داشته باشیم. در همه جا همین طور است. در هر کجا هر وقت بارندگی نشد رود خانه کم میشود چشمه کم میشود ولی این مربوط به این نیست که پول يك جائی را بیاورند خرج يك جای دیگر بکنند آن هم برای اشخاص معدودی. يك مالیات وضع کنید که بلديه همان نقطه بگیرد و خرج کند. بلديه کرمان در ماه چهار صد تومان بود چه دارد. ماهی چهار صد تومان بکجای يك بلديه ابالی میرسد؟ آنوقت پول آنجا را بیاورند و خرج بلديه طهران بکنند برای اینکه اهالی اینجا عزیز بلاجهتند؟ جهش چیست؟ در شیراز را از خودش بگیرند. در کرمان را از خودش بگیرند. طهران را هم از خودش بگیرند و خرج کنند. پول عمومی مملکت را باید صرف حوائج عمومی مملکت بکنند نه اینکه پول يك نقطه را صرف يك نقطه دیگر بکنند بنده عقیده ام این است که این لایحه را بر گردانند و

يك لایحه بجای آن تهیه کنند و يك مالیات وضع کنند و در هر شهری که میخواهند آنرا آباد کنند اهالی آن شهر آن مالیات را بدهند نه اینکه جای دیگر پول بدهند و خرج اینجا کنند.

مخبر - عرض کنم مکررانی را که نماینده محترم این جا فرمودند این بود که بالاخره چند تا فحش به اتومبیل دادند و نسبتی هم بینده دادند که گفتیم خانهای مردم را خراب کنند و بالاخره فرمودند یولی که از ولایات می آید خرج طهران نکنند. اما راجع به اتومبیل البته جامعه چند سال پیش قضاوت کرده است که آفتابان چقدر از اتومبیل بدشان می آید و اما راجع برعیت بدبخت کرمان. آن را هم بنده تصور میکنم که آن اندازه ها اگر این قانون هم نگذرد از زیر بعضی فشارها که جزئیاتش مربوط بدولت است راحت نخواهند شد و برای آنها باید فکر دیگری کرد و يك فکر اساسی لازم است اما اینکه فرمودند اگر باران نیاید همه جا خشک میشود و رود خانه جاجرود هم می خشکد. این را بنده جداً زدید میکنم زیرا الان که شهر طهران دچار خشکی است هزار ها سنگ آب توی رودخانه جاجرود میرود و بالاخره میرزد به کور و این آب را میشود آورد بطهران و مردم طهران را مشروب کرد و این حرفها هم تقریباً کهنه شد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست.

کازرونی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

کازرونی - باز هم عرض میکنم که اگر لایحه همین شکل بگذرد و در اثر همین مخالفت ها و جوابهایی که بمنزله الفای مشروطیت است

بعضی از نمایندگان - (بطور همهگرمه) اینطور نیست (صدای زنگ رئیس)

رئیس - بطور اختصار بفرمائید

کازرونی - عرض میکنم بایستی در مقابل قانون

اساسی و قوانین عمومی مملکت يك جوابها با يك دلایل قوی در حدود همان قوانین داده شود و اگر چنانچه همین حرفهای متفرقه که هیچ نمایی باقانون پیدا نمیکند رأی داده شود همانطور است که عرض کردم لهذا عقیده بنده این است که باید مذاکرات زیاد تر بشود تا در ضمن مذاکرات جوابهای حساسی داده شود.

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آفتابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهادها قرائت میشود... دکتر مصدق - بنده توضیح نظامنامه دارم رئیس - راجع به چیز؟ دکتر مصدق - راجع بفرمایشانی که نماینده محترم فرمودند.

رئیس - گفته شد مذاکرات کافی است دکتر مصدق - بی ولی توضیح نظامنامه ایست رئیس - بعد از خواندن پیشنهادها بفرمائید (پیشنهادها بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می نمایم تبصره ذیل ماده واحده علاوه شود: تبصره - مبلغ کافی از وجه مزبور برای آوردن آب به شهر طهران و تعمیر و قیمت مستغلات خیابان چراغ برق صرف خواهد شد. (دبیر)

پیشنهاد میکنم ماده واحده بترتیب ذیل نوشته شود: وزارت مالیه مجاز است از اضافه عایدات ۱۳۰۵ مبلغ ۱۲۵ هزار تومان برای آوردن آب به طهران و جبران خسارت و ضرر املاک و دکاکین که خراب شده و میشود جهت مصالح بلديه به بلديه طهران اعتبار بدهند مدرس

اینجانب پیشنهاد میکنم که بجای کسر عایدات بلديه نوشته شود برای اداء قیمت انبیه که بلديه برای توسعه خیابانها خریداری مینماید و مقومینیکه بتراضی

خریدار و فروشنده تعیین میشوند قیمت را تعیین کرده باشند و برای حفربجری آب از رودخانه جاجرود بطهران علی حقنویس ماده واحده را بقرار ذیل اصلاح کرده پیشنهاد مینماید:

وزارت مالیه مجاز است از اضافه عایدات ۱۳۰۵ مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار تومان برای ساختمان خیابان چراغ برق و قیمت املاک مردم و خرج آوردن آب به بلديه بپردازد حاج شیخ بیات رئیس - آقای دبیر

دبیر - چنانچه مذاکره شد مقصود از این لایحه اولاً آوردن آب بشهر طهران بود و بعد هم دادن پول بصاحبان مستغلاتی که در خیابان چراغ برق خراب شده که حقیقه هم مالکین بلا تکلیفند و هم مستأجرین و البته از ناحیه مجلس باید هر چه زودتر و سریعتر يك تکلیفی برای آنها معین شود و چون ماده خیلی مجمل بود بنده این پیشنهاد را عرض کردم و این پیشنهادی که آقای مدرس فرمودند ظاهراً مقصود بنده را تأمین میکنند همان را قبول میکنم

رئیس - آقای دادگر پیشنهاد کرده اند که قبلاً به پیشنهاد آقای مدرس رأی گرفته شود ولی يك پیشنهادی مال آقای فیروز آبادی است که مطابق نظامنامه مقدم است يك پیشنهاد دیگری هست که آن مقدم تر است که آقای تقی زاده پیشنهاد کرده اند که این لایحه از دستور خارج شود. آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده میل داشتم که پیشنهاد بنده خوانده شود...

رئیس - بخوانید تقی زاده - ولی حالا خودم موضوعش را می گویم.

بنده پیشنهاد کرده ام که این لایحه از دستور خارج نشود و وزارت داخله لایحه برای پیدا کردن محل عایدات از خود شهر بمجلس پیشنهاد کند و تخصیص بدهد بآوردن

آب به شهر و بنده ناچارم يك كلمه براي توضیح مطلب خودم عرض کنم زیرا مقضی نمیدانم که این لایحه بان صورت بیاید. علاوه بر آنچه که آقایان فرمودند مطابق قوانین اساسی مملکت ترتیب همین است که پول این مملکت را نمیشود به مصرف يك شهر مخصوص رساند بلکه باید از خود شهر پیدا کرد و در آنچه که ما این جا بیان کردیم مطلب درست واضح نشد، یعنی بعضی از آقایان که بعد فرمایشان کردند سوء تعبیر کردند و مخصوصاً خیلی اسباب تأسف است که در این اواخر از چند سال با بنظر حرف زدن از بیچارگی مردم بگونه کنهائی شده اگر نگویی....

رئیس -- آقا راجع به خروج از دستور صحبت کنید.

تقی زاده -- بلی راجع به خروج از دستور است عرض می کنم. وقتی لازم نمی دانم از عایدات مملکت صرف شهر بشود باید توضیحش را عرض کنم وقتی که این لایحه از دستور خارج شد و بان ترتیبی که بنده پیشنهاد کردم آمد آنوقت این مسئله پیش نمی آید یعنی محلی از عایدات خود شهر پیدا میشود و لازم نمی شود که عایدات مملکتی را صرف اینکار کرد و در توضیح همین میخواهم عرض کنم: آقایان میفرمایند که ما مدعی هستیم با اتومبیل. ما اول کسی هستیم که میل داریم در شوارع مملکتی اتومبیل حرکت کنند ولی میگوئیم که خرج اتومبیل در شهر را نباید مملکت بدهد و برای رفع این سوء تعبیر و سوء تفسیر ها که پیش میآید باید يك وقتی پیدا کرد و آنها را گفت و حالا که راجع بخروج از دستور نمیشود گفت لهذا بنده توضیحات خودم را میگذارم برای وقت دیگر و عجاله عرض میکنم وقتیکه مخالفین و موافقین هم تصدیق کردند که پول مملکت را نمیشود صرف اصلاحات شهری و صرف اصلاحات تجملی کرد لهذا بنده پیشنهاد کردم از دستور خارج شود و بان ترتیبی که عرض کردم

هزار تومان نوشته شود. پنجاه هزار تومان رئیس -- بفرمائید

فیروز آبادی -- بنده و همه آقایان آرزویمان این است که انشاء الله مملکت ما آباد شود و خیابان مام روشن شود و با کیزه باشد. هر کسی بشر است این آرزورا دارد. اما در مقابل این آرزو و چیز های دیگر ما آرزوهای دیگری داریم که اهمیتش زیاد تر است که اگر بان آرزوها برسیم این آرزوی ما قطعاً بیابان خواهد رسید و آن آرزوی ما این است که در این مملکت یک قسمی بشود که اول پول در آورد و بعد خرج کرد نه اینکه اول برویم به قرض و مفلوک کردن مردم يك پولی در آوریم و خرج کنیم. وقتی مردم فقیر و بی چیز شدند مالیات و کمرکات ما زمین خواهد خورد و چیزی باقی نخواهد ماند. بنده این چیزها را وقتی بنظر می آورم می بینم که این خرج ها ابتداءً بجهت ما زود است و ما باید این آرزوهای خودمان را بگذاریم برای وقتی که پول از منابع زوت طبیعی خودمان که داریم و لیاقت اظهار و بروز آن را نداریم پیدا کنیم. البته بعد از این که پول پیدا کردیم آنوقت زیاده از این ها خرج میکنیم ولی بر هیچیک از ماها مستور و پوشیده نیست که ماها هیچ چیز نداریم و هر کسی بگوید چیزی داریم اشتباه کاری میخواهد بکنند بلکه چیزی که ما داریم معادن خیلی خوب داریم -- یکی نفت است که بقدر تمام دنیا ارزش دارد. اما افسوس که ابراز لیاقت برای استخراج آن نمیکند و چقدر اشخاص و نجار ایرانی امتیاز يك چاه میخواهند و بهشان نمیدهیم و هزار اشکال زاشی میکنیم و بنده بان ملاحظات با این خرجها مخالفم. از آنطرف هم چاره ندارم و اگر بگویم هیچ فایده ندارد. این است که پیشنهاد کردم پنجاه هزار تومان از این صدو بیست و پنج هزار تومان بجهت مخارج ضروری این کار برداشت کنند و آن هفتاد و پنج هزار تومان دیگرش

را ترجمه باین مملکت بکنند و بگذارند یا از مردم گرفته نشود یا اگر گرفته میشود بمصرف کار های عام المنفعه برسد

رئیس -- آقای بیات
مرضی قلیخان بیات -- آقای فیروز آبادی خودشان در قسمت اول تصدیق فرمودند که این قضیه يك قضیه است لازم و بنده هم گمان میکنم اگر درست دقت فرمایند تصدیق خواهند فرمود که این مسئله جزء احتیاجات شهر است. اولاً در قسمت آب همانطور که اظهار شد امسال حقیقه بقدری مردم در فشار بودند که اگر وجوه مالیاتی مملکت هم صرف میشد هیچ ضرری نمی بخشید بلکه طرف استفاده بود و اما قسمت راه را که آقایان اظهار فرمودند خرجی است برای اتومبیل و اینها بعقیده بنده برعکس است بجهت اینکه آن کسیکه سوار اتومبیل است از خیابان عبور میکند و این يك خرجی است برای فقرا و الا آن کسی که توی اتومبیل است از خیابان عبور میکند ولی آن شخصی که توی خیابان پیاده عبور میکند طرف صدمه و حمله واقع میشود. اگر معتقدند که اتومبیل از میان برداشته شود باید يك قانونی بگذاریم که هیچکس در این شهر سوار اتومبیل نشود و راه را هم هر طور که هست بحال خودش بگذاریم و الا وقتی اتومبیل آمد در این مملکت مردم سوار شدند و زندگانشان يك قدم جلو رفت دو مرتبه نمیشود بر گرداند و وقتی اتومبیل سوار شدند دو مرتبه با شتر و خر و اسب نمیشود مسافرت کرد و بعقیده بنده این قسمت اشتباه است. آن کسیکه سوار اتومبیل است عبور میکند ولی مردمی که در خیابان هستند دچار صدمه میشوند و زیر اتومبیل میروند و سر دستشان میشکند و از برای آنها اسباب زحمت است نه برای اتومبیل دارها و این در حقیقت برای فقرا است که از شر اتومبیل راحت شوند بلکه اگر ما معتقد شویم که اتومبیل سوار نشوند البته نباید خیابانها را وسیع

کرد در قسمت وجهش هم که آقای فیروز آبادی فرمودند بعقیده بنده این يك نحمیل جدیدی بر مردم نیست بلکه اضافه عایدی است که از سنه گذشته مانده و عجله نمی خواهیم از کسی چیزی بگیریم. آن اضافه عایدی را میخواهند بيك مصرف ضروری برسانند و بعقیده بنده این خرج هم از یکی از خرجهای است که کاملاً ضرورت دارد و وقتی که لزومش را معتقد شدیم اضافه عایدی هم داشتیم دیگر بعقیده بنده کم کردنش را آقای فیروز آبادی بی لطفی کردند.

رئیس -- آقایانیکه پیشنهاد آقای فیروز آبادی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده مختصری قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگری داده اند که شصت هزار تومان باشد

(پیشنهاد مزبور بنحو ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در عوض ۱۲۵ هزار تومان نوشته شود شصت هزار تومان که تخصیص داده شود به املاکی که جهت توسعه خیابانها خرید شده یا میشود.

رئیس -- خوبست مطابق نظامنامه مختصراً توضیح بدهید.

فیروز آبادی -- بله چشم - امیدوارم همه این مراعات را بکنند بنده هم اولیش هستم. این که بنده شصت هزار تومان پیشنهاد کردم برای این خانهای بود که خریده شده یا میخواهند ضرورت دارد و این را تخصیص بدهند باین قسمت - که خیابانها را توسعه بدهند و اینکه صاحبان انومبیل میگویند این برای مراعات حال فقرا است بنده عرض میکنم همینقدر سفارش کنند به شوفرهایشان که يك قدری بواش و انومبیل را بریند رعایت حال فقرا شده است ولی آنها میخواهند در ظرف ده دقیقه تمام طهران را سیر کنند. حالا نمی دانم به چه مقصد و خیالی هستند و چون این آرزو را دارند مردم را هم بر انومبیل

میگیرند اگر يك دفعه سفارش کنند این طور نمیشود و این شصت هزار تومان هم يك قدرش برای کردن تونل است و آوردن آب رودخانه جاجرود اولاً عرض میکنم که آب رودخانه جاجرود در سالهایی که مثل امسال خشکسالی است آبش خیلی کم است و آقایان هیچ اطلاع ندارند. بنده اطلاع دارم که آب رودخانه جاجرود بقدری کم است که زراعتهای ورامین خشک شده است و ثانیاً اگر آمدیم مثل همچو سالی آب رودخانه جاجرود را آوریم به طهران آنوقت پس دهات ورامین که میخواهند از آنجا مشروب شوند چه بکنند؟ ما می خواهیم صد هزار ده را خراب کنیم برای اینکه از سیر آب فواره های حوضهای شهر طهران زیادتر ببرد. باین جهت بنده این شصت هزار تومان را بجهت این مخارج کافی میدانم.

رئیس -- آقای امیر حسین خان

امیر حسین خان ابلخان - عرض کنم يك مطلبی است که آقایان تقریباً اشتباه فرموده اند و آن این است که خیابان چراغ برق مربوط بعبور و مرور تنها مردم شهر نیست تمام مسافرین باید از خیابان چراغ برق وارد طهران بشوند. اگر تمام این مسافرین بیرون دروازه شهر پیاده میشدند بنده هم عرض نداشتم ولی تمام مسافرین باید از این خیابان عبور کنند و کاراها هم آوی شهر است و خیابان چراغ برق تنها منحصر بعبور و مرور اهل شهر نیست بلکه علاوه بر اهالی شهر مسافرین حضرت عبدالعظیم و تمام خطوط جنوب باید از این جا عبور کنند و اما راجع به آب جاجرود آقا فرمودند شصت هزار تومان کافی است. بنده عرض میکنم که این مسئله عملی نیست بلکه شنیده میشود که هشتاد هزار تومان الی نود هزار تومان خرج دارد که از بالا مجرانی درست کنند و بقدر سی سنک الی پنجاه سنک از آب آن را بشهر بیاورند. بعلاوه مبلغی هم باید برای دکا کینی که در خیابان چراغ

برق خراب شده داده شود و این مبلغی که آقا پیشنهاد فرموده اند برای همان آب تنها کافی نیست مگر اینکه آب را بیاورند ناسرگردنه و از آنجا باز بر گردد. خوب است آقا لطف فرمایند و رعایت این نکات را بکنند.

رئیس -- رأی میکنیم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایانیکه پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(کسی قیام نکرد)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مدرس را کمیون قبول دارد؟ چون عبارت را قدری تغییر داده اند مخبر - پیشنهادشان را بفرمائید قرائت کنند.

(بعبارت ذیل خوانده شد)

وزارت مالیه مجاز است از اضافه عایدات ۱۳۰۵ مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار تومان برای آوردن آب بطهران و جبران خسارت و ضرر املاک و دکا کینی که خراب شده بجهت مصالح بلديه ببلديه طهران اعتبار بدهند. (مدرس)

رئیس -- مقصود این است که در اول پیشنهادشان (خراب شده و میشود) بود حالا (خراب شده) نوشته اند (خطاب به آقای مدرس) توضیح بدهید.

مدرس - چون پیشنهاد شده است لهذا اگر دو سه کلمه زیاد تر توضیح داده شود بعقیده بنده ضروری ندارد. فرمایشاتی که آقایان از اول تا حالا کرده اند من با تماشای موافقم. اعم از موافق یا مخالف. هر کدام حرفهایشان بجای خودش صحیح بود الا با يك کلمه که من مخالفم و آن تعریض است. هر کسی باید عقاید سیاسی خودش را بگیرد اما به عقیده دیگری نباید تعریض داشته باشد. اما شخص بنده عقیده ام اینست طهران که سهل است شهرهای دیگر هم که سهل است دهات ایران هم باید مثل

دهات و قصبات اروپا باشد (بعضی از نمایندگان - صحیح است) از حیث ظاهر و مقبولی و خوبی باید تمام بلاد و قصبات ایران مثل اروپا باشد

اما از حیث باطن و عقیده دینی هم انشاء الله الرحمن امیدوارم شهر جابلقا و جابلسا که ما بآن عقیده داریم باشد. هیچ منافات هم با هم ندارد. حالا گفته نشود که مدرس غیب گفت یا يك پیش بینی غلطی کرد ولی من عرض میکنم تا این مئه تمام نشده چراغ برقهائی در طهران روشن خواهد شد که تا سی و پنج فرسخ روشنائی و نور خواهد داد تا آنوقت من میمیرم ولی شما زنده هستید و خواهید دید

حالا آمدیم سر مسئله پیشنهاد. عقیده بنده اینست که این بلديه غیر قانونی است انشاء الله الرحمن این نظامنامه که میگذرد باید بلديه قانونی تشکیل شود و این اعتباری که پیشنهاد شده برای بلديه پیشنهاد شده نه برای شخص این بلديه. تا این هست البته شروع کنید ولی بلديه قانونی که انشاء الله تشکیل شد عملیاً را تکمیل کنید. این خانهای که خراب شده باید پولش را داد اعم از اینکه قانوناً خراب شده باشد یا غیر قانونی. و اینها که خراب شده باید دوباره ساخته شود خواه قانونی خراب شده باشد خواه غیر قانونی. اگر شما می گوئید خانهای که خراب شده چون غیر قانونی بوده نباید پول داد بنده مخالفم و اگر بگوئید این بلديه فعلی غیر قانونی است ببخود آدم فرستاده و برای آب آوردن نقشه برداشته اند باز بنده مخالفم. در هر حال يك مخارجی شده و آن مخارج را باید داد. از این جهت بنده پیشنهاد کردم که این مبلغ صد و بیست و پنج هزار تومان را به بلديه اعتبار بدهند بجهت آوردن آب در طهران و بجهت خرابیها و ساختمانهایی که شده عجلاناً باید وسایل کار را تدارک کرد تا انشاء الله بیست روز دیگر این قانون بلدی از مجلس میگذرد و مجربان که اقتاد اگر این اعتبار بدست بلديه فعلی خرج شده بود که هیچ

و هر مبلغی که باقی ماند بلدیّه قانونی تکمیل کند و اگر غیر از این عقیده دارید بفرمائید چه باید کرد؟ میفرمائید این خرابی هائی که شده چون غیر قانونی بوده نباید پولش را داد؟ یا ساختمانهاى که لازم است نباید کرد؟ این نمیشود و بنده مخالف نیستم که عبارت ساختمان هم اضافه شود.

مخبر - بنده می خواستم از آقای مدرس استدعا کنم چون کله ضرر و خسارت را در قانون ذکر کردن صلاح نیست برای اینکه حالا اگر عده از آقایان عقیده دارند که این ضرر و خسارت است عده دیگری هم عقیده دارند که ضرر و خسارت نیست در هر صورت موضوع نظری است ولی در موقع قانون گذاری اگر مجلس تصدیق کند که ضرر و خسارت بر خلاف قانون بکسی وارد آمده این بر خلاف شأن مجلس است. بنده استدعا دارم از آقای مدرس که اجازه بفرمایند این جمله که مرقوم فرموده اند (جبران و ضرر) مرقوم بفرمایند. ساختمان. و این بهتر است.

وزیر مالیه - اینجا در عبارت پیشنهاد شاید اختلاف نظر باشد و الا در اصل معنی و مقصود با نظری که آقای مدرس اظهار فرمودند و آقای مخبر هم تأیید کردند بنده هم موافقم. یعنی این مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار تومان يك اعتباری است که بوزارت مالیه داده میشود که وزارت مالیه این وجه را به مخارجی که بلدیّه میکند بپردازد حالا شما می خواهید این اعتبار را به مخارج آوردن آب و ساختمان بنده موافقم ولی با این شرط که مسئله درست روشن شود نه بنده و نه مجلس نباید تکلیف جزئیات و جریانات کار اداره بلدیّه را معلوم کنیم. بلدیّه خیابان سازی می کند و يك مخارجی دارد ما در اصطلاح خود مان میگوئیم مخارج ساختمان. البته وقتی که خیابان سازی میکند يك دکا کینی را برای صریض کردن خیابانها خراب میکند وقتی خراب میکنند باید يك

جامعی درست میکنیم که تمام مقاصد بعمل آمده باشد رئیس - پس چند دقیقه تنفس داده میشود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

کفیل وزارت امور خارجه - چون بواسطه الغاء کار گذاريها بعضی تغییرات در بودجه وزارت خارجه شده است بودجه جدید را تقدیم و بودجه قدیمی مسترد می شود.

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس بشکل جدیدی درآمده است قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد سابق خود را از این قرار پیشنهاد میکنم.

وزارت مالیه مجاز است مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار تومان از محل اضافه عایدات ۱۳۰۵ برای آوردن آب رودخانه از خارج بطهران و ناد به قیمت خرابیهای وارده از عریض شدن خیابانها و ساختمان همان خیابانها پرداخت نماید

رئیس - آقای مدرس

مدرس - در حقیقت يك تغییر اساسی نشده فقط توضیح همان پیشنهاد قبل است و در حقیقت مقصود سه چیز است. یکی آوردن آب رودخانه است از خارج به طهران. یکی هم جبران خسارت هائی است که از این خرابیها بدکاکین مردم وارد شده. و یکی هم ساختمان همان جاها یعنی همان خیابان هائی است که در آنجا خرابی وارد شده نه خیابان جدید. این پول مصرفش این سه جا است این توضیحی است که لازم بود عرض کنم.

مخبر - بنده از طرف کمیسیون این پیشنهاد را قبول میکنم.

رئیس - خوب پس رأی راجع باین پیشنهاد میباشد

برای آخر. سایر پیشنهادها قرائت میشود. پیشنهاد آقای طاهری:

ماده واحده را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم.

وزارت مالیه مجاز است که از اضافه عایدات ۱۳۰۵ مبلغ صد و بیست و پنج هزار تومان برای نادیه قیمت عادلانه اراضی و امکنه و دکاکین خیابان چراغ برق که برای توسعه خیابان مزبور تصرف شده و میشود همچنین برای آوردن آب بيشهر طهران در ۱۳۰۶ بلدیّه بپردازد

رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - بنده پیشنهاد آقای مدرس را قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی.

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده واحده بشرح ذیل نوشته شود ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ صد و بیست و پنج هزار تومان از اضافه عایدات ۱۳۰۵ بقرار ذیل بدارد بلدیّه اعتبار بدهد:

مخارج آوردن آب به طهران - صد هزار تومان. برای جبران خسارت مالکین مستغلات خیابان چراغ برق بیست و پنج هزار تومان

رئیس - آقای دهستانی

میرزا بدالله خان دهستانی - در پیشنهاد آقای مدرس مقصود بنده هم تأمین شده از اینجهت پیشنهاد خودم را مسترد میدارم

رئیس - آقای استرآبادی پیشنهاد جناب عالی هم قرائت بشود

معتضد استرآبادی - بلی

رئیس - آقای باهداد پیشنهاد جناب عالی هم

قرائت شود

بامداد - بی

(پیشنهاد آقای استرابادی باین نهج خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل اضافه شود
تبصره - بیست هزار تومان از وجه مزبور بمصرف
کوچه های جنوب طهران برسد

رئیس - آقای استرابادی

معتقد استرابادی - يك اصل مسامی كه هبج قابل انكار نیست مسئله تزییح بلا مرجع است كه هبج جائز نیست. در طی مذاکرات اقبان فرمودند كه تعمیرات اختصاص بلك خیابان بك تزییح بلا مرجعی است و بنده تصور میکنم این اصل باید همیشه رعایت شود زیرا قطع نظر از اینکه نباید این پول باین مصرف ها برسد كانه اصلاً بلدیة قسمت جنوبی شهر طهران را جزو شهر نمیداند برای اینکه هرچه توجه میکند به قسمت شمالی بالای شهر است و حال آنكه جنوب شهر هم احتیاج به ساختمان و تنظیف دارد. فقط تنها کاری كه بلدیة كرده این است كه در این اواخر در قسمت جنوبی شهر طهران بك سنگ فرش مختصری كرده اند و ذریعۀ دو قران كتر یا بیشتر هم از صاحبان خانه ها میگیرند. پس حالا كه این پول به بلدیة داده میشود چون مردمان نقاط جنوب شهر اگر فقیر و بی بضاعتند خوب است لامحاله بیست هزار تومان از این محل را به قسمت جنوبی شهر اختصاص بدهند كه بلدیة اقل سنگ فرش آن محدود را بكنند و این ذریعۀ دو قران را از مردم بیچاره نگیرند
رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این

پیشنهاد آقایان بلكه موافقت قیام فرمایند

(كسی قیام نكرد)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای بامداد

(بشرح آنی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم این مبلغ اختصاص باید برای آوردن آب بطهران بشرط اینکه موجب خشکی قطعات و زراعتی دیگر نشود.

رئیس - آقای بامداد

بامداد - خیلی بنده ممنونم كه اقبلا این لایحه از ابهام خارج شد. ومسلم شد كه این پول برای آوردن آب و جبران خسارات اینیه ایست كه خراب كرده اند در این دو قسمت بنده حرفی ندارم و امیدوارم همینطور كه مذاكره شده خسارت آن اشخاص جبران شود. بلکه به مردمی كه از هسقی ساقط شده اند شاید چیزی برسد كه بتوانند جای دیگری اقبلا خانه بسازند. ولی قسمتی را كه بنده نمی فهمم همان قسمت آوردن آب است به طهران. آنهائی كه ممكن است بطهران بیاورند یکی آب لشكر و جاجرود است. و یکی هم آب لار. تصدیق میفرمائید كه ما دو منبع آذوقه مهم داریم یکی مازندران است كه بما برنج. شبر و روغن میدهد و یکی هم خوار ورامین است كه كندم و جو از این چیزها می دهد. آب جاجرود مخصوصاً برای مشروب كردن خوار ورامین است. در سال هائی كه آب خیلی زیاد است باز آنطور كه باید آب بدهات پائین نرسد. امسال هر كس از پل جاجرود گذشته باشد میداند كه جاجرود ده سنگ آب ندارد یعنی يك ماه قبل كه بنده از آنجا گذشتم ده سنگ آب نداشت حالا مساماً بیدش از پنج سنگ نخواهد داشت. بطوری كه الان صدای تشنگی اهالی این نقاط بلند است و زراعت های مردم سوخته است. در این صورت چطور میشود آب آنجا ها را بطهران بیاورند؟ این كار سبب میشود كه زراعت خوار ورامین هم بخرشد و بالنتیجه آذوقه شما از بین برود. این مال آب جاجرود. اما آب لار قطع نظر از اینکه آوردن او بك مخارج هنگفتی دارد اقبلا یکی دو تا تونل میخورد میفرمائید رفته اند نقشه كشیده اند و سهل است. بنده عرض میکنم همان آب لار هم هرز نیست زیرا قاطی هراز میشود و به آمل میرود و در نتیجه بك قسمت مهم مازندران را مشروب میکنند. آمل غیر از این آب آنی ندارد. امسال سر

همین آب زاع شده و هفت تا خون واقع شده است. پس كدام آب را شما می خواهید بطهران بیاورید. اگر مقصود این است كه آنی تهیه كنید و بیاورید كه خیلی خوب است ولی اگر مقصود این است كه این آب موجوده یعنی جاجرود و آب لار را بطهران بیاورید به عقیده بنده خوب نیست زیرا این دو منبع مهم آذوقه ما از بین خواهد رفت و صرف نظر از اینکه طهرانیها دچار قحطی خواهند شد عده زیادی از دهات و دهانیهها هم از بین خواهند رفت. پس لازم است در مقابل این فرمایشاتی كه میفرمایند آب جاجرود و هراز زیاد است و محل احتیاج چندان نیست و از این جهت خیال داریم بطهران بیاوریم این توضیحات داده شود تا در موقع عمل اگر يك روزی این بدبختی ها پیش آمد همه بدانند كه این قضایا در مجلس گفته شده است دیگر بنده عرضی ندارم حالا الحمدلله پیشنهاد آقای مدرس همه قضایا را سهل كرد ولی باید این مسئله هم توضیح داده شود

مخبر - حالا كه مقصود نماینده محترم این است كه مردم میگویند این حرفها در مجلس زده شده بنده خدمتشان عرض میکنم این نظریه ایشان را متخصص فنی نامین كرده سابرین یعنی آنهائی هم كه نظرشان این است آب برای طهران بیاورند همچو نیست كه از این فرمایشات ایشان بی اطلاع باشند یا این مسائل را ندانند در موضوع آب جاجرود البته در آن مقداری كه متعلق بمردم است دولت هیچ دخالتی نخواهد كرد و آب ملك مردم را نخواهد آورد ولی بك مقدار از این آب مال خود دولت است و برای اطلاع آقایان بلكه مسبوق نیستند عرض میکنم الان خود دولت آن قسمت خود شرا میفروشد و پولش را میگیرد حالا باید دید مصرف آب دولت در كجا بهتر و مناسبتر است؟ البته این قسمت مربوط به نظر خود دولت است و متخصصین اشخیص مسئله را خواهند داد. و در قسمت آب لار هم بنده بكنفر كه مازندران رفته ام بر خلاف مشهودات آقا دیده ام كه مقدار زیادی

آبهای رودخانهها هم متصل میشود و بدریا میریزد و اگر این آبها را بیاورند بهیچ جا ضرری ندارد مگر اینکه بگویند آبها در دریا برای تهیه ماهی لازم است؟! و اگر بنا شود این خیالات را ما بكنیم البته دور نسلسل لازم میآید اگر امسال موضوع آن مازندران بنظر آقا رسیده است. برای این است كه بازار نیامده. قسمت مازندران را هیچوقت آب لار تأمین نمیکند بلكه ابر و آسمان و باران محصور آنجا تأمین میکنند. خلاصه این كه آب لار ابدأ بهیچ جا بر نمیدخورد.

رئیس - رأی میگیریم آقایان بلكه پیشنهاد آقای بامداد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(چند نفری قیام كردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بعد از كله مجاز است اضافه شود بعنوان قرض و در آخر ماده اضافه شود بلدیة قانونی مركز مكلف است بعد از افتتاح بانك ملی ایران ترتیب پرداخت این قرض را بدهند.

یعقوب الموسوی

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده عرض میکنم آقای دشتی كه یکی از اقویاء موافقین این لایحه هستند عرابض بنده و فرمایشات آقای تقی زاده را تصدیق كردند. و خود آقای شبروانی هم میدانند علت اینکه نمایندگان از ولایات میآیند بمرکز فلسفه اش این است كه نظارت در وجوه عمومی داشته باشند. ما آمده ایم در مركز نظیرمان از وجوه عمومی چیست؟ در سابق لایحه از طرف دولت پیشنهاد شد كه باید اضافات ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ صرف سرمایه بانك ملی شود. در این موضوع دولت آدمو بیان كرد و بطور کلی توضیحات داد. بعد خورده خورده می

از جیب وزیر مالیه لایحه بیرون آمد که فلان جایست هزار تومان ، فلان جا صد و بیست و پنج هزار تومان فلانجا چقدر نا جائی که وقتی تا آخر سر حساب کنیم می بینیم مبلغی هم بدهکار میشویم . از طرف دیگر مافائل شده ایم که باید بانک ملی افتتاح کنیم . و سرمایه او هم از اضافات این سنوات باید تأمین شود . بنده که بکنفر از نمایندگان ولایات هستم از طرف موکلین خودم حاضرم که این وجه را بعنوان قرض به بلدیته طهران بدهند برای اینکه صرف آوردن آب بکنند و از جاجرود یا لار یا جای دیگر آب تهیه کنند و بطهران بیاورند بنده با این ترتیب موافقم . لکن در افتتاح بانک ملی که همه ما ها بآن رای دادیم و موافقیم باید يك اقدامی بکنیم و موافق باشیم بر اینکه این اضافات بآن مصرف برسد فعلا این پول بعنوان قرض داده میشود بعد که بلدیته قانون تشکیل شد چون بلدیته يك مؤسسه است که اعتبار دارد می تواند این وجه را مسترد دارد . (ولی بشرطیکه نصر الملك مأمورش نباشد) عقیده بنده این است که آقای مخبر هم با آن جدیدی که در افتتاح بانک ملی دارند و از آن طرف هم با مسئولیتی که نمایندگان ولایات در حفظ این وجوه دارند با این پیشنهاد موافقت بفرمایند

هم اغلب برای همین قبیل مخارج منظور می شود و این هیچ مانعاً الجمع با آن مقصود و نظری که آقا دارند نیست .
 آقاسید یعقوب - معلوم میشود پیشنهاد بنده را قبول کردند .
 وزیر مالیه - بنده ابدأ قبول نکردم بلکه برعکس عرض کردم که بعنوان قرضه موافق نیستم
 کازرون - پس مخالفید ؟
 وزیر مالیه - بله . موافق نیستم یعنی مخالفم بنده کلمه موافق نیستم را جور دیگری نمیتوانم تعبیر کنم
 رئیس - آقابانیکه پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
 (کسی قیام نکرد)
 رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای بامداد (بمضمون ذیل خوانده شد)
 پیشنهاد میکنم که این مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار تومان بعنوان قرض از بودجه عمومی بلدیته طهران اعتبار داده شود بامداد
 جمعی از نمایندگان - این پیشنهاد رد شد
 رئیس - این پیشنهاد چیز دیگری هم ندارد . در قسمت است يك قسمتش رد شد
 آقای بامداد
 بامداد - اگر نظر آقایان باشد وقتی که قانون بلدیته مطرح بود بنده در ماده اولش عرض کردم که باید کاملاً بلدیته ها استقلال داد زیرا بلدیته يك مؤسسه ملی است و بودجه اش هیچ مربوط به بودجه دولت و خزانه مملکت نیست بلدیته هر شهری طوری است که باید مبلغی از خودش اعتبار داشته باشد . در بیست و یکسال قبل که بنده از مشهد به طهران میآمدم مسئله بنظرم رسید باد کوبه آب نداشت آرا از دریا تقطیر و شیرین میکردند و از صد فرسخی ابشیرین می آوردند . هفده میلیون منات طلا انوقت بلدیته باعتبار خودش قرض

کرد برای آوردن آب غرض این است بلدیته هر جائی دارای يك اعتباراتی است قانون هم که میگنزد وقتی که بان ماده بیست و نه قانون رسیدیم باید در آنجا هم حق وضع مالیات داده شود . ولی البته حالا اهالی و نمایندگان ولایات راضی نمیشوند که پول آنها صرف منافع طهران بشود منتهی بجهاتیکه آقایان موافقین این لایحه اظهار کردند خسارات مردم باید از این راه حبران شود . حالا که این نظر را دارند خوب است که بلدیته این پول را از بودجه عمومی مملکت قرض کند و بهمان کار های مفیدی که در نظر دارند برسد البته همانطوری که یکی از آقایان فرمودند اگر بنا شود چراغی صد دینار هم بگیرند باز بعد از یکسال این پول استهلاك خواهد شد هیچ ضرری ندارد که حالا این پول را قرض کنند و بعد از سه چهار سال مسترد دارند که هم از بودجه عمومی مملکت خرج نشده باشد و ضرری هم بکسی نخورده باشد و هم حق کسی فوت نشده و کار از پیش رفته باشد و تصور میکنم اغلب آقایان کیسیون بودجه که نمایندگان ولایات هستند باید با این نظر موافقت کنند و حق موکلین خود را ادا کنند .
 رئیس - آقای دشتی .

دشتی - يك قسمت از آقایان نمایندگان يك اشتباهی کردند که باید رفع شود و آن این است که غالباً خیال کردند بلدیته مؤسسه مستقلی است و عوارض و عوائد معینی دارد و حالا علاوه بر آن عوارض و عوائد می خواهد يك پولی از بودجه مملکت بگیرد این يك اشتباهی است که شده است عرض میکنم تمام عوائدی که بلدیته داشته جزو بودجه عمومی شده و حالا از همان محل بودجه عمومی میخواهند بگیرند و باو بدهند . الان هیچکدام از بلدیته ها از خود عایدات مستقلی ندارند . و این يك اشتباهی است که بعضی از آقایان کرده اند . هر پولی که به بلدیته ها میدهند از بودجه عمومی مملکتی است . پولی

هم که بلدیته طهران خرج میکند از بودجه عمومی است بعضی از نمایندگان - اینطور نیست .
 دشتی - اجازه بدهید همینطور است بلدیته سابقاً يك عوارض و عوایدی داشته از قبیل نواقل و پولی که از اتومبیل ها میگرفتند و غیر این ها ولی در نتیجه تمرکز عایدات تمام این عوارض جزء بودجه عمومی شده و حالا از بودجه میگیرند و خرج میکنند . خود بلدیته طهران الان مبلغی مالیات و مستغلات دارد که جزو بودجه عمومی شده . بلدیته اصفهان و شیراز هم همینطور از بودجه عمومی میدهند . پس دیگر معنی ندارد که بگوئیم بلدیته این پول را از بودجه عمومی قرض کند . از کجا قرض کند ؟ شما هر وقت بلدیته مستقل پیدا کردید که از خودش عوارض معینی داشت آنوقت این حرف را بزنید . ولی حالا مورد ندارد

مخبر - عرض کنم . يك جمله را آقای دشتی فراموش کردند بفرمایند . معروف است وقتی بيك کسی گفتند لب نام ایستاده عقب ز برو نیفتی این آنقدر عقب عقب رفت تا از آن طرف بام بزر افتاد . ما در نتیجه تجربه و عمل در ولایات دیدیم مالیاتهای کوچک کوچکی مثل مالیات نواقل و ذغال و هیزم از ولایات میگرفتند که سر جمع آن مالیات ها ده هزار تومان میشد ولی مردم بیست هزار تومان تحمیل وارد میشد و هیچ فائده اساسی نداشت . ما با يك هلهله و شادمانی این مالیات منحوس را لغو کردیم و در مقابلش در سرحد يك مالیات آسانتر و سهلتر و غیر مرئی وضع کردیم و برای دو مطلب اختصاص دادیم . یکی برای بلدیته ولایات و یکی هم برای ساختن طرق و شوارع . طهران در آن موقع متجاوز از نهمصد هزار تومان عوائد بلدیته داشت ولی حالا در ماه سی و دو هزار تومان میگیرد . حالا کمتر از آن مأخذیکه سابق داشت باو میدهند و از روی آن ماده قانونی که وضع کردیم سهم او بیشتر از این نمیشد . حالا چون بيك معایبی بر خوردیم میخواهیم در قانون

بلدی يك اصلاحاتی بکنیم. در نتیجه آن قانون به بعضی از ولایات ظلم شد و بعضی جاها يك عایدات زیاد نری داده شد. مثلاً قصبه كركند بواسطه كثرت عبور و مرور چهار هزار تومان عایدی پیدا کرد در صورتیکه کرمانشاه که يك شهر مهمی است خیلی کمتر عایدی دارد. حالا ما خواسته‌ایم اصول مالیات گیری را که در مملکت ما روی يك پایه صحیح و مستقیمی نیست اصلاح کنیم و گفتیم که در سرحدات يك پولهای غیر مرئی بگیریم و بان مقصد رسانیم. این مقصود ما بود. حالا در این مقصود بقدری عقب عقب میرویم که داریم از آن طرف می افتیم. متصل گفته میشود که بلدی و ولایات باید يك مالیاتهای بگیرند و باید بلدیها مستقل شوند و باید عایدات داشته باشند و انجمن بلدی به باید حق وضع مالیات داشته باشند حتی آقای بامداد فرمودند که بلدی به باید چندین برابر بودجه مملکتی عایدات داشته باشد ولی لازم است عرض کنم که این مملکت طاقت اینگونه مالیات ها را ندارد. شاید این نظر اساساً مورد تصدیق باشد ولی فعلاً موردی ندارد. الان همین مالیاتی که در سرحد میگیرند مردم نمیتوانند بدهند

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای بامداد آقابانیکه موافقت قیام فرمایند (دو سه نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای حشمتی قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)
ماده را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:
وزارت مالیه مجاز است مبلغ بکصد و بیست و پنج هزار تومان برای درست کردن مجرا و آوردن آب رودخانه جهت شهر طهران و نادیه قیمت دکا کین و خانهای که برای وسیع کردن خیابان چراغ برقی خریده و جزو خیابان میشود و ساختن خیابان مزبور از محل اضافه

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقابانیکه پیشنهاد آقای حشمتی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد. آقای زوار. پیشنهاد کرده اند صد و بیست و چهار هزار تومان داده شود آقای زوار

زوار - عرض کنم اگر این هزار تومان کوچولو برای موافقین و مخالفین خیلی کوچولو است ولی برای بنده که از این موقع استفاده میکنم برای گفتن حقایق خیلی زیاد است. می خواهم يك حقایقی را عرض کنم ولی در حدود ماده شصت و سه نه بالا میرویم نه پائین اولاً راجع به خانه ها این جا يك اظهاراتی شد که خانه ها را بزور خراب کرده اند (يك همچو اظهاری بگوش بنده خورد) بنده اطلاع کامل دارم که اگر خانه هائی برای جزو شدن بخیمان گرفته میشود پول آن را بقیمت عادلانه تأدیبه میکنند و به راضی طرفین معامله میکنند و بطوری که بنده اطلاع دارم چندین خانه که در معبر عام واقع شده بود رضایت طرف گرفته و پولش را دادند. يك قسمت دیگر راجع بابالات و ولایات بود که آقابان معتقد بودند نباید پول آنجا ها را آورد و در طهران خرج کرد و بلدی به داد بنده عرض میکنم مطابق این شعر چه عضوی بدرد آورد روزگار دکتر عضو ها را نماند قرار. طهران جزو لایتهجزای ایران است و البته بایستی تمام ایران خودش را حاضر کند برای داشتن يك پایتخت خیلی مهم و آبرومندی تا باعث آبرومندی تمام ولایات بشود بنده از طرف موکلین خودم بنوبه خودم حاضریم که از دسترنج موکلینم این پول را تصویب کنم تا ایران يك پایتخت آبرومندی پیدا کند و از اینجهت هیچ مانع و رادعی نیست که از ایالات و ولایات بیاورند و در طهران که پایتخت مملکت است خرج بکنند. این عقیده بنده است...

کازرونی - عقیده بنده خلاف این عقیده است زوار - واز اینجهت پیشنهادی که تقدیم کرده ام پس میگیرم

رئیس - رأی گرفته میشود به ماده واحده نه ترتیبی که آقای مدرس پیشنهاد کرده اند بکنند از نمایندگان - مجدداً قرائت شود (مجدداً بترتیب سابق خوانده شد)

رئیس - این را باید عرض کنم در موقعی که بدستور رأی گرفتیم آقای امیر حسین خان پیشنهادی کردند که دو جزو داشت يك قسمت آن همین پیشنهادی بود که آقای دشتی کردند و ایشان تقاضا کردند پیشنهادشان تجزیه شود ولی از طرف بنده قصوری شد اشتباه کردم و فراموش شد. به پیشنهاد آقای دشتی که رأی گرفتیم در واقع بجزء اول پیشنهاد ایشان رأی داده شده برای رفع سوء تفاهم لازم بود عرض کنم رأی گرفته میشود بماده واحده به ترتیبی که قرائت شد آقابانیکه تصویب می کنند ورقه سفید می دهند و الا ورقه کبود خواهند داد

(در اینموقع اخذ و استخراج آراء بعمل آمده پنجاه و پنج ورقه سفید تعداد شد)

اسامی رأی دهندگان

آقابان: احتشام زاده - دادگر - نوبخت - وزیر - شبروانی - محمودرضا - کی استوان - دهستان - جلالی - بهبهانی - میرزا حسن خان وثوق - ملک مدنی - بهار بدر - پالیزی - اسعد - عمادی - امیر حسین خان - نکمپان - طباطبائی دیبا - موقر - نجومی - اسفندیاری - مرتضی قلیخان بیات - آقاسید حسین آقابان - خواجوی حیدری - محمد آخوند - روحی - آقا سید کاظم - ملک ایرج میرزا پور تیمور - میرزا عبدالله خان وثوق - فومنی - زوار - ساکینیان - امیر اسدالله خان - بحی خان زنکنه - محمد ولی میرزا - دکتر محمد خان مصدق - سید جواد محقق - میر ممتاز - اسکندر خان مقدم -

قانون

اجازه پرداخت یکصد و بیست و پنجهزار تومان برای آب طهران و عریض نمودن خیابانها از محل اضافه

عایدات ۱۳۰۵

مصوب ۲ مهرماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ یکصد و بیست و پنجهزار تومان از محل اضافه عایدات ۱۳۰۵ برای آوردن آب رودخانه از خارج بطهران و تأدیه قیمت خرابیهای وارده از عریض شدن خیابانها و ساختمان همان خیابانها پرداخت نماید

اینقانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه دوم مهر ماه بک هزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

حسین پیرنیا : رئیس مجلس شورای ملی

فرهنگد - حقنویس - ذوالقدر - سلطانی محمد خان - دیوان
بیکی - حشمتی - فهیمی - طاهری - عصر انقلاب - دشتی
جشیدی - ابراهیمی - بنی سلیمان
رئیس - عده حضار هشتاد و يك . با پنجاه و پنج
رأی تصویب شد.
پیشنهادی راجع به دستور جلسه آتیه داده شده باید
رأی گرفته شود
(بمضمون ذیل قرائت شد)

امضا کنندگان پیشنهاد میکنیم که خبر کمیسیون مالیه
راجع به خالصجات انتقالی در جلسه سه شنبه چهارم مهر
در دستور مقدم باشد
فهیمی - طاهری - دولتشاهی و جمعی دیگر
رئیس - معلوم میشود موضوع ندارد. چون هنوز
خبر کمیسیون بودجه نرسیده است. دستور همان قانون
بلدیه است.
مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد